

نبرد خلق

شماره ۲۵۴
دوره چهارم سال بیست و سوم
اول شهریور ۱۳۸۵
آمریکا کانادا ۱ دلار،
اروپا یک یورو

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

تغییر قانون کار تعرضی هدفمند به حقوق کارگران

صفحه ۵

جنگ بین اسرائیل و حزب الله تائیدی بر راه حل سوم در ایران

مهدی سامع

جنگ بی رحمانه بین اسرائیل و حزب الله لبنان با قربانیان بسیار با قطعنامه شورای امنیت به آتش بسی شکننده منجر شده است. این جنگ صرف نظر از ماهیت آن و این که کدام طرف و با چه بهانه ای آن را آغاز کرد، محکوم است. به خصوص کشتار مردم غیر نظامی، حمله هوایی و موشکی به مناطق زیست مردم از هر دو طرف جنگ، امری ضد انسانی و جنایت علیه بشریت و بنابراین محکوم است. درک ماهیت این جنگ برای مردم ایران و مدافعان صلح و دوستی بین ملتها اهمیت ویژه ای دارد.

یک طرف این جنگ دولت اسرائیل و به ویژه جنگ طلبان درون آن بود که اصل بقای خود را در توسعه طلبی و اشغال می دانند. انکار حق مردم فلسطین در داشتن کشور و دولت مستقل خود، سرپیچی از قطعنامه های شورای امنیت ملل متحد، زیر پا گذاشتن قرارداد صلح اسلو و سرکوب مداوم جنبش مردم فلسطین و به خصوص تهاجم سیاسی، نظامی و دیپلماتیک به سازمان آزادیبخش فلسطین که منجر به صعود بنیادگرایی اسلامی در فلسطین شده است، سیاست غالب دولتمردان اسرائیل بوده است.

طرف دیگر این جنگ حزب الله لبنان است. در مورد این که حزب الله لبنان مجری سیاستهای نظام ولایت فقیه است مدارک و شواهد بسیار وجود دارد. در بسیاری از ترورهای جمهوری اسلامی در خارج از ایران افراد حزب الله به عنوان عامل اجرای طرح شرکت داشته اند. هم حزب الله و هم سرسپردگان ولایت خامنه ای بارها به این وابستگی و پیوستگی اعتراف کرده اند.

روز شنبه ۷ مرداد روزنامه کیهان که سیاستهای جنگ طلبانه ولی فقیه را منعکس می کند در گزارش خود نوشت: «همه دنیا سر برگردانده اند و ایران را می نگرند، این بار اما نه به عنوان کشوری که باید به خاطر خطاهای نکرده اش در زمینه فعالیتهای هسته ای حساب و کتاب پس بدهد، بلکه به عنوان یک - و تنها - قدرت بزرگ منطقه خاورمیانه که می تواند برای حل و فصل منازعه فعلی میان رزمندگان حزب الله لبنان و اسرائیلیها راهی بیابد.»

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله

باند ولایت، آونگ بین شکاف درونی و ماجراجویی

«باید توجه داشت که جدال باندهای موجود در دستگاه قدرت، در متن دست و پا زدن جمهوری اسلامی در بحران مشروعیت داخلی و رانده شدن تدریجی آن به سوی یک بحران خطرناک بین المللی جریان می یابد. امری که به گونه ماهوی، کیفیت متفاوتی به این درگیرها داده و بر شیوه حل و فصل آنها تاثیر تعیین کننده ای به جا می گذارد.»

منصور امان - در صفحه ۳

جهان در آینه مرور

انرژی هسته ای یا سوخت

فسیلی؟

لیلا جدیدی - صفحه ۶

تاثیر جنگ حزب الله و اسرائیل بر

روابط دیپلماتیک منطقه

جعفر پویه - صفحه ۷

در سوک زنده یاد

اکبر محمدی

با تاثر و اندوه، اکبر محمدی که ۹ روز در اعتصاب غذا به سر می برد زیر شکنجه جنایتکاران حاکم بر ایران درگذشت. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم کردن این اقدام جنایتکارانه رژیم ولایت فقیه، درگذشت زنده یاد اکبر محمدی را به خانواده وی، به زندانیان سیاسی ایران و به دانشجویان مبارز ایران تسلیت می گوید.

نامه به نخست وزیر عراق در

حمایت از حق پناهندگی سیاسی

مجاهدین ساکن در شهر اشرف

صفحه ۱۶

بدون اجرای عدالت، صلح

ممکن نیست

الف - آناهیتا - صفحه ۹

مبارزه شورشگرانه زنان

زینت میرهاشمی - صفحه ۱۱

سرنگون باد رژیم استبدادی - مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن، هر چه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

سایت اینترنتی بازتاب وابسته به دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در گزارشی* با عنوان «عجایب حزب الله لبنان...» از قول سید حسن نصرالله می نویسد: «من فکر کردم چه بگویم، موضوعی که نمی شود با رسانه های گروهی طرح کنیم که مربوط به جمهوری اسلامی، امام (ره) و مقام معظم رهبری هم باشد. برگردیم به ۲۱ سال قبل یا بیشتر، به سال پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹. شیعیان لبنان (و اهل سنت) منفعل بودند اما توجه خوبی به امام شد و ایشان تأثیر فراوان بر ملت لبنان داشتند..... در این اوضاع امام گفتند ارتش و سپاه بیاید سوریه و لبنان که اسرائیلیها مستقر شده بودند. سپاه آمد و مستقر شد. جمهوری اسلامی ایران هر چه در توان داشت برای لبنان می داد؛ پول، آموزش، کمک فکری. امام فرمودند: «از صفر شروع کنید و با همین نیروی کم مبارزه کنید که پیروز خواهید شد. من از همین حالا می بینم که پیروزی از آن شماست.» با خود می گفتیم یعنی چه؟

از حضرت امام خواستیم که در مسأله لبنان یک کسی نماینده شما باشد که مزاحم وقت حضرت عالی نشویم. امام آن زمان فرمودند نماینده تام الاختیار من آقای خامنه ای هستند. آقا هم خیلی با ما مهربان بودند. از زمان انعقاد نطفه حزب الله، آقا مسئول ما بود. ایشان در مسائل اسرائیل کارشناستر از کارشناسان است. خلاصه کار را ادامه دادیم؛ اما امام فرموده بودند تا اخراج کامل ادامه دهید. تا این که امام رحلت کرد. رسیدیم خدمت آقا که الان شما رهبر ما هستید، یک نفر را معرفی کنید تا زیاد مزاحم شما هم نشویم. آقا فرمودند: «نه خیر، مسأله اسرائیل و لبنان مربوط به من است و من خودم مسئول این مسأله هستم.» آقا خصوصیات تک تک ما را می شناسند. این ارتباط عمیق از مهمترین عوامل پیروزی و از بزرگترین برکات برای حزب الله بود.»

این گفته های سید حسن نصرالله که آقای خامنه ای پس از آتش بس به او دست مریزاد گفت و آرزو کرد که بازویش را ببوسد به اندازه کافی گویاست و برای آن دسته از تحلیلگران سیاسی که با ذره بین به دنبال کشف علانمی برای مستقل دانستن حزب الله هستند راهی جز فرار به جلو باقی نمی گذارد. با این حال توجه به گفته های ولید جنبلاط رهبر حزب سوسیالیست ترقیخواه لبنان نیز در توصیف جنگ اخیر برای شناخت حزب الله و ماهیت

جنگ مفید است. وی روز ۲۶ مرداد خطاب به سید حسن در تلویزیون الجزیره می گوید: «نصرالله ما نمی خواهیم لبنان صحنه آزمایش جنگهای پیشگیرانه از سوی آمریکا و اسرائیل برای مقابله با ایران و سوریه باشد و بالعکس نمی خواهیم لبنان صحنه آزمایش جنگهای پیشگیرانه احمدی نژاد و رژیم سوریه باشد. این حق ماست و این خیانت نیست که ما خواهان آینده ای امن خارج از نزاع و جنگها در خاکمان باشیم این حق ماست.»

به گمان من حرفهای ولید جنبلاط هم روشنگر ماهیت این جنگ و هم بیان کننده اهداف طرفین جنگ است. یک طرف با استراتژی جنگهای پیشگیرانه به دنبال ساختن «خاورمیانه جدید» است و طرف دیگر به دنبال ایجاد «امپراطوری اسلامی» که آیت الله خمینی مبتکر و طراح آن بود می باشد. ام القرا و قلب و مغز بنیادگرایی اسلامی در تهران است و در شرایط پس از مرگ خمینی در بیت ولی فقیه طراحی می شود.

روزنامه کیهان در شماره روز ۱۰ مرداد ۱۳۶۶ پیام آیت الله خمینی برای مراسم حج و براهت از مشرکین که منجر به بلوای مکه شد را منتشر کرد. خمینی در این پیام گفت: «به یاری خداوند از قطرات پراکنده پیروان اسلام... و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته های مقاومت حزب الله در سراسر جهان... و با صدور انقلابمان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خاتمه می دهیم.» یک سال بعد در روز ۲۹ تیر ۱۳۶۷ خمینی در پیام خود به مناسبت سالگرد بلوای مکه گفت: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین المللی اسلامیمان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیسم، سرمایه داری و کمونیسم در جهان هستیم.» با اتکا بر این سیاست است که تاکنون جمهوری اسلامی در پروسه صلح خاورمیانه اختلال کرده است و هر جا که با مبارزه مردم فلسطین و فشار افکار عمومی بین المللی، اسرائیل تن به عقب نشینیهایی داده است، عوامل نظام ولایت فقیه به اشکال مختلف این مسیر را منحرف کرده اند. سیاست صدور ارتجاع و بنیادگرایی ولایت فقیه و سیاست توسعه طلبی جنگ طلبان اسرائیلی دو روی یک سکه و هریک دیگری را تقویت می کند. ما دیدیم که

محاصره مقر زنده یاد یاسر عرفات منجر به تقویت بیش از پیش بنیادگرایان اسلامی در فلسطین شد. ادامه دهندگان راه خمینی همان استراتژی را با جدیت پیگیری می کنند. روز شنبه ۱۴ مرداد خبرگزاریهای دولتی سخنان محمود احمدی نژاد در جمع خبرنگاران در نشست فوق العاده سازمان کنفرانس اسلامی را منتشر کردند. کوتوله سیاسی به نیابت از خامنه ای به خبرنگاران رسانه های جمعی می گوید: «خاورمیانه جدید حتما محقق خواهد شد، اما بدون رژیم صهیونیستی... رژیم صهیونیستی در حال اضمحلال است و درمان اصلی منطقه حذف رژیم صهیونیستی است.» ایجاد خاورمیانه جدید با محوریت «اسلام» سیاست خارجی اصلی استبداد مذهبی حاکم بر ایران است که احمدی نژاد بارها تحت عنوان نابودی اسرائیل بر آن تاکید کرده است. ولی فقیه نظام برای این که جای هیچگونه شک و تردیدی باقی نگذارد روز سه شنبه ۳۱ مرداد در دیدار رؤسای سه قوه و تعداد دیگری از مجریان ولایتش گفت: «تشکیل حکومت اسلامی... علاج همه دردها و رنجهای امروز جهان اسلام است. ...امت اسلامی امروز به تشکیل حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه نیازمند است» (خبرگزاری فارس)

روز یکشنبه ۱۵ مرداد علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ولایت فقیه گفت: «می گویند رهبری منطقه را بدون ابزارهای لازم داشته باشید که این حرف متناقض است.» معنی حرف لاریجانی وقتی می گوید: «ما قطعنامه را قبول نمی کنیم و تعلیق را نمی پذیریم» این است که جمهوری اسلامی رهبری منطقه را با ابزارهای لازم که همان اتم به اضافه نیروهای بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه است، به دست خواهد آورد.

توجه به حرفهای خامنه ای، احمدی نژاد، لاریجانی و حسن نصرالله روشنگر آن است که نقشه گسترش حکومت اسلامی یک موضوع جدی در استراتژی نظام حاکم بر ایران در عرصه بین المللی است. چند سال پس از مرگ خمینی، محمد جواد لاریجانی، از تئوریسینهای ولایت خامنه ای که در آن زمان معاون وزیر امور خارجه بود، در تشریح این استراتژی گفت: «امروز حیات سیاسی ما در جهان، به عنوان ام القرای اسلام، در گرو توسعه یافتن است..... لیکن ما هیچ گاه نباید در آرزوی محیط دوستانه جهانی باشیم و یا برنامه های توسعه خود را برای اکولوژی مسالمت، طراحی کنیم.» (رسالت شماره های ۲۶ و ۲۷ خرداد ۷۲)

گرچه جمهوری اسلامی فاقد هرگونه پایگاه مردمی در ایران است و مردم ایران همواره خشم و تنفر خود را از استبداد دینی بیان کرده اند، اما

بنیادگرایی اسلامی با رهبری خامنه ای به علت در دست داشتن حاکمیت و امکانات کشور بزرگی چون ایران و با توجه به وجود توده های محروم و ستمدیده و حکومتهای فاسد در کشورهای خاورمیانه به مراتب خطرناکتر از اشکال دیگر بنیادگرایی است.

در مقابل رشد و توسعه دموکراتیک کشورهای خاورمیانه نه فقط توسعه طلبی آمریکا و به طور کلی جهان امپریالیستی، بلکه بنیادگرایی اسلامی به عنوان تهدید اصلی نیز قرار دارد. هم استراتژی «خاورمیانه جدید» به رهبری آمریکا و هم ایجاد خاورمیانه اسلامی (امپراطوری اسلامی) به رهبری مرتجعان حاکم بر ایران منافع مردم محروم و ستمدیده خاورمیانه را تأمین نمی کند و هر جنگی که دو طرف آن این دو نیرو قرار داشته باشند نه جنگ رهاپخش است و نه به سود رهایی مردم. این جنگها را نمی توان با جنگهای آزادیبخش مقایسه کرد و اگر بخوایم برای درک ماهیت آن مثالی بیاوریم با اندکی اغماض می توان آن را با جنگ جهانی اول که ضمنا منجر به فروپاشی امپراطوری عثمانی (اسلامی) و تشکیل حکومتهای جدید در خاورمیانه شد، مقایسه کرد. در مقابل این گونه جنگها سیاست صلح طلبی فعال قرار دارد که نمونه ممتاز آن سیاستی بود که لنین در آن زمان ارایه نمود.

سیاست صلح طلبی فعال ایجاب می کند که هر جنبشی مبارزه اصلی خود را علیه حکومت «خودی» قرار دهد. همان گونه که صلح طلبان اسرائیلی برای مهار جنگ طلبان در کشور خود تلاش می کنند، صلح طلبان ایرانی و نیروهای ترقیخواه ایرانی نیز برای مهار سیاست ماجراجویانه و توسعه طلبانه استبداد مذهبی حاکم بر ایران تلاش همه جانبه می کنند. در جنگ اخیر در مقابل احتمال جنگ و بقای نظام دینی حاکم بر ایران، راه حل سوم هرچه برجسته تر شد. دفاع از راه حل سوم مستلزم روشنگری در بین جنبشهای صلح طلب جهان که خطر صعود نیروی مهیب بنیادگرایی اسلامی را نا دیده می گیرند می باشد. تکرار اشتباه «اردوگاه سوسیالیسم موجود» و نیروهای وابسته به آن در قبال جمهوری اسلامی منجر به فاجعه ای به مراتب هولناکتر از آن چه بر کشور ما گذشت و این بار در کل خاورمیانه می شود.

چهارشنبه ۱ شهریور ۱۳۸۵
*برای مطالعه کامل این گزارش به آدرس اینترنتی زیر مراجعه کنید.

<http://www.baztab.ir/news/46103.php>

سرمقاله

باند ولایت، آونگ بین شکاف درونی و ماجراجویی

منصور امان

آنها در برابر تلاش باند مزبور نیز به شمار می رفت. هدف اصلی این مانور را زمینه چینی برای انتخابات مجلس خبرگان و بسیج نیرو برای آن تشکیل می داد. تصفیه این مجلس از رقبای سنتی و کسانی که در آن نمودی از تجلی ولایت فقه می بینند و از این رو مدعی و صاحب نفوذ می توانند تلقی شوند، آماجی است که دولت نظامی - امنیتی در برابر خود نهاده است. گسیل "روحانیون جوان" آیت الله مصباح یزدی به مجلس خبرگان و ایجاد دسته بندی راس و بدنه در این نهاد، خواست حداقل این جریان را فرمولیزه می کند.

اهمیت به دست گرفتن کنترل مجلس یاد شده، نخست از ضرورت فوری خالی کردن پشت جناح راست سنتی و سپس از تأمین پیش شرط حکمرانی بی شریک، غیر مشروط و بدون ریسک ولی فقیه‌ای که در هیات خلیفه مسلمین، بر تناقضات نظام استبدادی جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن غلبه کند، ناشی می شود.

تدارکات آشکار صاحبان جدید قدرت در این جهت، بیش از همه موجب سوق داده شدن جامعه روحانیت به سوی گرایشهای صنفی مشابه در طیف "دوم خرداد" و مهمترین آن مجمع روحانیون مبارز و جریان حجت الاسلام کربوی (اعتماد ملی) گردیده است. همزمان، نشانه های قوی وجود دارد که جامعه روحانیت مبارز، در جستجوی یک متحد نیرومند، دوباره حجت الاسلام رفسنجانی را یافته است؛ مساله ای که بی گمان موجب برانگیختن نگرانیهای بسیاری در باند نظامی - امنیتی می شود. چه، انتخابات خبرگان یک شانس مهم و شاید تنها شانس آنها برای از دور خارج کردن قطعی آقای رفسنجانی باشد.

شکاف در باند ولی فقیه، راست

افراطی

اعلام شکایت رسمی دولت احمدی نژاد از "منابع خبری" که به "ایراد افترا و اتهام" علیه آن پرداخته اند، از شدت گیری جدالی حکایت می کند که به صورت خنده بین گرایشهای گوناگون راست افراطی جریان داشت. کشمکش بقیه در صفحه ۵

گذاشته و باند مزبور را انسجام بخشد. نزاعی که در جریان تدارک انتخابات بین گرایشهای متعارض بر سر معرفی نامزد مشترک در گرفت، پس از فیصله کار "اصلاح طلبان"، با شدت و حدتی بیشتر همچنان ادامه یافت. این پیروزی از سوی دسته بندیهای موجود در باند ولی فقیه، نه به منزله موفقیت قطعی، که به معنای گامی به سوی آن انگاشته شد و اشتیاق ستیزه جویانه آنان به دستیابی به موفقیت برتر در الیگارشلی قدرت را افزایش داد.

شکاف در باند ولی فقیه، راست

سنتی - راست افراطی

نخستین نشانه این جدایی هنگامی آشکار شد که "شورای هماهنگی نیروهای انقلاب"، ظرف سیاسی ائتلاف موثله و نیروهای تابعه (انجمنهای اسلامی مهندسين، اصناف، فرهنگیان، پزشکان)، جامعه روحانیت مبارز، اینترگران و آبادگران هر یک با نامزد جداگانه خود یا به میدان تصاحب کاخ ریاست جمهوری گذاشتند. ناکامی باند موثله و جامعه روحانیت برای قبولاندن پاسدار لاریجانی به شرکای خود، تنها دلیلی بود که شرکت پاسدارها قالیباف و احمدی نژاد در دور نهایی انتخاب جانشین آقای خاتمی را توضیح می داد. راست سنتی که به دلیل اختلاف در جامعه روحانیت بر سر حمایت یا عدم حمایت از عضو قدرتمند خود، حجت الاسلام رفسنجانی به گونه محسوسی تضعیف شده بود، نه تنها نتوانست زیر انوریته دایمی خود در این جناح خط تاکید بکشد بلکه، ناچار شد خط دفاعی خود را باز هم عقب تر بکشد. در این میان، تکیه گاههای قدرت سیاسی این جریان که به گونه سنتی در میان مآلهای پرنفوذ و شبکه حوزه ها و مساجد آنان قرار داشت، به روشنی زیر ضرب قرار گرفته است. طرح "حکومت اسلامی" که پلورالیسم نهاد مرجعیت را نفی و ولایت سیاسی فقیه را به خلافت یک تازانه دینی نیز گسترش می بخشد، گامی در جهت دولتی کردن دستگاه روحانیت و تبدیل آن به زائده بوروکراسی اداری و ایدیولوژیک است.

دولت احمدی نژاد محصول ناتوانی

باند ولایت

بی اعتنایی باندهای درگیر به جست و خیزهای میانجی گرایانه ولی فقیه، بیانگر گستردگی آثار جراحی انتخابات ریاست جمهوری است که اکنون به شکل خونریزی داخلی نمود می یابد. واقعیت آن است که موجود بیرون آمده از اتاق عمل "نظام"، هیات ناقص الخلقه ای است که موجودیت سر هم بندی شده خود را در درجه نخست مدیون همگرایی سلبی پروردگاران با مضمون خلج ید از باند رقیب می باشد. برخلاف حجت الاسلام خاتمی، آقای احمدی نژاد محصول مادی و توافق شده یک برنامه و خط مشی مشترک نیست، نماینده "آبادگران" در بهترین حالت برآمد ناتوانی باند ولی فقیه در رسیدن به "اجماع" و حاصل ناگزیر آنها و تنگناهای آن است. همانگونه که روند رویدادها نشان داد، فرستادن شهردار پیشین به کاخ ریاست جمهوری با وجود اهمیت کلیدی این امر در تغییر موازنه قدرت، حتی به طور موقت نیز نتوانست بر این ناتوانی مرهم

در رسیدن هنگام انتخابات سوراخهای شهر و مجلس خبرگان، رژیم ولایت فقیه را با ژرفا و گستره ی شکست استراتژی یکپارچه سازی حکومت روبرو ساخته است. یک سال پس از چارو کردن باند "دوم خرداد" از آرگانهای قدرت و جایگزینی آن با باند نظامی - امنیتی، ایده انسجام بخشی درونی حکومت و به صف شدن اعضا و اجزای آن در یک خط، اینک غیر عملی تر از هر زمان دیگر خود را نشان می دهد. اهمیت بررسی این تحول، در رابطه بی واسطه بین کیفیت ساختار سیاسی و راه حلهای آن نهفته است. به بیان دیگر، چگونگی آرایش درونی حکومت، انتخاب آن برای نوع برخورد و تعیین سیاست در برابر چالشهایی که در برابر خود دارد را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. به هر میزان که دامنه این چالشها فراگیر تر بوده و عناصر و مولفه های بیشتری را دربر بگیرد، به همان میزان نیز موقعیت عملی دستگاه قدرت، امکانات و محدودیتهای آن، به گونه نیرومندتری در سیاستهای و تدابیر آن منعکس می شود.

پیشینه

باند ولی فقیه موفق شد در یک تلاش هماهنگ، مواضع رقبای "اصلاح طلب" خود را از چنگ آنها بیرون بکشد و آن گونه که به نظر می رسد، این اصلی ترین محور اشتراک عمل گرایشهای درونی باند مزبور باقی ماند. برای جبهه رنگارنگی که پا به میدان تصرف مجلس هفتم و سپس کرسی ریاست جمهوری گذاشت، تجدید آرایش "نظام" در برابر شرایط بحرانی داخلی و بین المللی بدان میزان اهمیت داشت که حل اختلافات داخلی خویش را به موفقیت در این امر موکول سازد. از این رو نیز زمانی که چتر تشکیلاتی این جریانات یعنی، شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی نتوانست بر سر معرفی نامزد واحد برای جانشینی حجت الاسلام خاتمی به توافق برسد، این ناکامی به تلاشی بی درنگ و یا تضعیف لمس پذیر باند ولایت نیانجامید. حتی اختلاف جریان پیروز این کشاکش یعنی، دو تشکیلات پادگانی آبادگران و اینترگران بر سر همین موضوع در آخرین دقیق، این مجموعه ناسازگار را از پی گیری هدف خویش باز نداشت. اما مسکوت گذاشتن اختلافات از سر مصلحت اندیشی و مقدم شمردن

تغییر قانون کار تعرضی هدفمند به حقوق کارگران است

زینت میرهاشمی

ماست و هر روز نگران فردای خود هستیم.» (ایلنا ۷ مرداد ۸۵) در اصلاحیه قانون کار، حذف بند ششم قانون کار فعلی که به طور نیم بند تشکلهای کارگری را به رسمیت شناخته بود (البته هیچگاه جنبه عمل به خود نپوشاند) گنجانده شده است. این ماده اصلاحی به طور آشکار راه شکل گیری هر گونه تشکل کارگری را می بندد و دست کارفرمایان و دولت را به طور مطلق در استثمار کارگران باز می کند. اختیار مطلق و انحصاری دولت بر سازمان تامین اجتماعی از جمله تغییراتی است که در اصلاحیه پیشنهادی وزیر کار آمده است. شکل خصوصی سازی که تاکنون جریان داشته، فتوای خامنه ای و تغییر قانون کار که نقش دولت را در رابطه کارفرمایان و کارگران برجسته تر می کند ظاهراً با سیاست خصوصی سازی که در آن نقش دولت باید کمتر شود در تضاد قرار دارد. اما این نشان دهنده نقش دولت پاسدران و اقتصاد شبه دولتی است که بخش خصوصی را در دست دارد.

پیشنهاد وزیر کار تا کنون با مخالفت کارگران مواجه شده است. در این پیشنهاد حتی تشکلهای دولتی کارگری مانند انجمنهای اسلامی، شوراهای اسلامی کار زیر سوال رفته و حذف خواهند شد.

هیات موسس سندیکاهای کارگری طی بیانیه ای مخالفت خود را با این گونه تغییر قانون کار اعلام کرده است.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی، رجیبلی شهبواری در گفتگو با خبرگزاری مهر (۲۱ مرداد ۸۵) اصلاحیه قانون کار را، افزایش ۵۰ برابری اخراج کارگران ارزیابی کرده و می گوید: «طرح اصلاح قانون کار موجب اخراج دسته

جمعی کارگران می شود.» وی در همین گفتگو می گوید: «کارگران قرارداد موقت در مقابل ۴۰۰ ساعت کار ماهیانه ۱۵۰ هزار تومان دستمزد دریافت می کنند. در حالی که طبق قانون کار (فعلی) کارگران باید در مقابل ۱۹۰ ساعت کار ماهیانه ۱۸۰ هزار تومان دستمزد دریافت کنند.»

سیاست دیکتاتوری ولایت فقیه این است که جنبش کارگری را مرتب به دفاع از حداقلهایی که از آن برخوردار بود قرار دهد. به ویژه این که در سالهای اخیر جنبش تشکل خواهی و سازمانیابی، جنبش کارگری را به رویکردی تعرضی علیه سرمایه داری تبدیل کرد. جنبش سندیکایی و رویگردانی کارگران از «خانه کارگر» و «شوراهای اسلامی

بقیه در صفحه ۵

اصلاح قانون کار که توسط وزیر کار پیشنهاد شده و همچنین فتوای خامنه ای دقیقاً در راستای وارد شدن به سازمان جهانی تجارت و فقر و نابسامانی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان ایران است. تعیین حداقل دستمزد برای سال ۸۵، دو نرخ تعیین شده دستمزد و پس گرفتن میزان تعیین شده دستمزد برای کارگران قراردادی، از جمله حربه های رژیم در برابر حرکت های اعتراضی جنبش کارگری در برابر افزایش ناچیز و غیر معقول دستمزدها بود. وزارت کار با دو نرخ کارگران قراردادی را به همراه داشت، از یک طرف قصد شکاف بین کارگران داشته و از طرفی دیگر پز حمایت از کارگران قراردادی که بی رحمانه استثمار می شوند را به خود گرفت. اما باد این پز تو خالی در اثر فشار سرمایه داران زودتر از آن چه که تصور می رفت خویبد و وزارت کار قانون خودش را پس گرفت.

سید محمد جهرمی، وزیر کار دولت احمدی نژاد با اعلام این که قانون فعلی کار مانع تولید و اشتغال و اصلاحیه آن، با «محوریت تولید، اشتغال و سرمایه گذاریهای جدید خواهد بود» تاکید بر افزایش آزادی عمل کارفرمایان کرده است.

در ۶ ماده ای که وزیر کار پیشنهاد داده است، کارگران به سهولت توسط کارفرمایان می توانند اخراج شوند. این امر در شرایطی صورت می گیرد. که استخدام کارگران حتی به قراردادهای یک ماهه رسیده است. و بر اساس آمارهای دولتی بیش از ۶۵ درصد کارگران در قراردادهای موقت کار می کند.

سید محمد جهرمی در گفتگویی با خبرگزاری مهر ۲۴ مرداد با اعلام این که «بیش از ۵۶ درصد از قراردادهای کار در جامعه به صورت موقت است» پیش بینی می کند که تا پایان سال جاری «تعداد قراردادهای موقت کار به ۶۵ درصد برسد.» این که در عرض چند ماه بر اساس نظر وزیر کار که طبیعتاً واقعیت آمار را بیان نمی کند، چنین درصدی از افزایش قراردادهای موقت داشته باشیم نشان از ابعاد فشاری که بر کارگران وارد می شود دارد. یعنی به همین میزان درصد امنیت شغلی کار در میان کارگران کاسته می شود که ناهنجاریها و آسیبهای خود را خواهد داشت. یکی از کارگران شهرداری به درستی در رابطه با امنیت کار می گوید: «امنیت شغلی واژه ای بیگانه برای

آنچنان دچار بحران شده که پایوران رژیم به طور آشکار با تغییر قوانینی که به دست خودشان پایه ریزی شده به نجات آن برخاسته و طرحهای مختلفی که تاکنون داده اند موفقیتی در بر نداشته است. قانون کار فعلی که اساس آن به نفع سرمایه داران است در اثر مبارزه سازمانیافته کارگران باید به سمت منافع کارگران بهبود یابد. در فقدان تشکلهای مستقل کارگری برای سازماندهی این امر، روز به روز حداقلهای قانونی به نفع کارفرمایان و ساختار سرمایه داری دولتی تغییر می کند. دیکتاتوری ولایت فقیه با انداختن پنجه هایش روی اقتصاد و نیز فشار دادن گلوی کارگران، شرایط را برای جنبش کارگری به شکلی درآورده، که مبارزه کارگران را در حالت دفاعی انداخته به طوری که این مبارزه برای حفظ موقعیت اسفبار کنونی جریان داشته باشد. رژیم کارگران را در شرایطی قرار می دهد که بگویند «دیروز بهتر بود تا امروز» و لذا برای حفظ شرایط موجود تقلا کنند و چشم انداز تغییرات رادیکالتر را در مقابل خود قرار ندهند.

تصویب خروج کارگاههای زیر ۵ نفر از شمول قانون کار توسط مجلس پنجم، خروج کارگاههای تا ۱۰ نفر از شمول برخی مواد قانون کار توسط وزارت کار دولت خاتمی و تایید آن توسط مجلس ششم و نیز تمدید آن توسط دولت احمدی نژاد، و پیشنهاد تغییر قانون کار توسط همین دولت، همه از جمله کارکردهای رژیم در رابطه با استثمار بیشتر کارگران توسط سرمایه داران است. سالیانست که رژیم برای وارد شدن به سازمان جهانی تجارت دست و پا می زند. اجرای خصوصی سازی و سیاستهایی که تاکنون انجام شده به دلیل مسائل سیاسی مابین جمهوری اسلامی و حاکمان قدرتمند بر سازمان جهانی تجارت، نتوانسته این موفقیت را برای رژیم به بار آورد.

یکی از کارگران اخراجی شرکت «البرز دارو» که بالای ۲۵ سال سابقه کار دارد در گفتگو با ایلنا ۹ مرداد گفت: «تمامی کارگران رسمی که باید تعدیل شوند، دیپلم و زیر دیپلم هستند و قائم مقام مدیر عامل شرکت اعلام کرده که به بنا بر دستور مسئولان نظام و جهت راهیابی ایران به سازمان تجارت جهانی باید کارگرانی که دارای تحصیلات پایین هستند و استخدامی می باشند، اخراج و قراردادیها را جایگزین آنان کنیم.»

منصور اسانلو از فعالان سندیکایی اتوبوسرانی شرکت واحد در مرداد ماه از زندان آزاد شد. آزادی وی که دستاورد ایستادگی و پایداری فعالان این جنبش در ایران و ادامه حرکت های اعتراضی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است به همه کارورزان این جنبش و نیز کارگران ایران و همچنین مدافعان جنبش کارگری، تریبیک گفته و این دستاورد گامی در جهت رشد هر چه بیشتر این جنبش خواهد بود. یکی از تجربه هایی که از رویدادهای خونین جنبش سندیکالیستی اتوبوسرانی در همواردی با رژیم می توان گرفت، پیوستگی، پشتیبانی و حمایت فعال جنبشهای کارگری در سطح جهان با کارگران ایران است که منجر به آزادی کارگران زندانی و فعالان سندیکالیستی، علیرغم میل باطنی سرکوبگران رژیم شد.

در مرداد ماه، وزارت کار پیش نویس لایحه ای برای تغییر قانون کار که شامل ۶ ماده می شود، برای تصویب به مجلس ارائه داد. این پیش نویس که تحت عنوان «اصلاحیه» قانون کار است، دست اندازی دولت به عنوان کارفرمای بزرگ به حقوق کارگران و معاش آنان بوده و دست سرمایه داران و کارفرمایان برای استثمار بیشتر کارگران را باز می گذارد. در ماه گذشته ولی فقیه طی فتوایی دستور به خصوصی سازی ۸۰ درصد مالکیت دولتی را اعلام نمود. این امر ظاهراً به نفع اقتصاد خصوصی و اشتغال زایی اعلام شده است اما همان طور که در مطلب ماه پیش به آن پرداخته شد، این نوع خصوصی سازی، جابجایی مالکیت با ارزانترین شکل آن در بین خودبدهای وابسته به حکومت است. در مطلب ماه گذشته به نقش سپاه پاسداران در اقتصاد ایران بر اساس آمار اشاره شد. بخش خصوصی در ایران در اساس «شبه دولتی» است که زیر کنترل آفازاده ها، رانت خواران و وابستگان به حکومت قرار دارد. خصوصی سازی که به دست دولت طی این سالها انجام شده هنجارهای غیر قابل جبران بر اقتصاد ایران وارد کرده است. این شیوه خصوصی سازی منجر به بحران، ورشکستگی و سرانجام تعطیلی بخشهای بزرگی از صنعت قدیمی ایران مانند صنعت نساجی، صنعت کفش و ... شده است.

اقتصاد بحرانی و ورشکسته ایران با خصوصیت بورژوازی انگل صفتی خود،

تغییر قانون کار تعرضی هدفمند به حقوق کارگران است

بقیه از صفحه ۴

کار» تشکلهای دست ساز حکومتی و پافشاری بر تشکل مستقل، دستاوردهای بارزی را در جنبش کارگران و زحمتکشان ایران در سالهای اخیر ثبت کرد. سیاست جدید دولت احمدی نژاد در ادامه سرکوب جنبشهای اجتماعی با هدف نابودی این دستاوردها می باشد. هر گونه تغییری در قانون کار بدون دخالت فعال نماینده واقعی کارگران که از دل تشکلهای مستقل کارگری هویت می یابد تغییری یک طرفه و به سود سرمایه داران خواهد بود. این تغییر موجب بحرانی تر شدن اقتصاد خواهد شد. در نتیجه، این طرحها هیچ کمکی به اشتغال نخواهد کرد و نرخ تورم و بیکاری را افزایش خواهد داد.

یکی از راههای موثر مقابله با این تعرض سرمایه داری، سازمانیابی مستقل و تعرض به کارفرمای بزرگ یعنی نظام ولایت فقیه است که در دوره حکومت ۲۷ ساله اش جبهه فقر را چنین تونمند کرده است. رجعی شهسواری در گفتگو با خبرگزاری مهر ۲۱ مرداد گفت: «بیش از ۵۰ درصد کارگران زیر خط فقر قرار دارند.»

محبوب نماینده رژیم در مجلس، در گفتگویی با ایسنا (۱۲ اسفند ۸۴) اقرار کرد که: «قدرت خرید کارگران ایرانی ۱۲۶ برابر کاهش یافته است.» این آمارها که در چهارچوب حفظ نظام داده می شود چنین تکانهنده است چه رسد به عمق فاجعه ای که در اقتصاد ایران که فشار آن روز زحمتکشان وارد می شود آشکار شود.

نگاهی به برجسته ترین رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در مرداد ۸۵

کارگران شرکت «ایران الکتریک» واقع در گیلان روز یکشنبه اول مرداد اقدام به راهپیمایی اعتراضی نمودند. کارگران معترض که خبرگزاری ایلنا تعداد آنها را ۵۴۰ نفر اعلام کرد از محل کارخانه تا مصلی رشت، راهپیمایی کردند. این کارگران به عدم دریافت بیش از

۳ سال حقوق و بلاتکلیفشان اعتراض نمودند.

کارگران اخراجی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران روز شنبه ۱۴ مرداد از ساعت ۹ صبح در مقابل اداره کار شرق تهران تحصن اعتراضی نامحدود برپا نمودند.

کارگران شرکت واحد، این همایش اعتراضی را به دنبال سلسله اعتراضها در رابطه با شرایط نامشخص کاری خود انجام دادند. حدود ۱۸۰ کارگر شرکت واحد در پی اعتراضهای سال گذشته که توسط سندیکای واحد اتوبوسرانی تهران سازماندهی شده بود، از کار اخراج شدند. تعدادی از این کارگران اخراجی به دنبال فشار و اعتراض به سر کار خود بازگشتند اما هنوز تعدادی از آنها بلاتکلیف مانده اند. سعید ترابیان عضو سندیکای شرکت واحد در این تحصن اعلام کرد که هنوز ۵۵ کارگر اخراجی این شرکت در سرگردانی به سر می برند.

کارگران ریسندگی و بافندگی «سیمین نو» واقع در اصفهان، روز یکشنبه اول مرداد در مقابل مجلس، تجمع اعتراضی بر پا نمودند. این کارگران به عدم دریافت بیش از ۵ ماه حقوق خود اعتراض داشتند. این همایش اعتراضی چندین روز طول کشید. خبرگزاری ایلنا سه شنبه ۳ مرداد، در سومین روز تجمع، کارگران شرکت کننده در این اعتراض را ۱۰۰ نفر اعلام کرد.

کارگران شهرداری قائمشهر روز یکشنبه اول مرداد در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان در مقابل شهرداری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

تعدادی از کارگران «اروم دشت» واقع در ارومیه، روز چهارشنبه ۴ مرداد در اعتراض به وضعیت بلاتکلیف خود در برابر ساختمان مرکزی اداره کل کار آذربایجان غربی تحصن کردند.

کارگران نساجی «خوی» روز یکشنبه ۸ مرداد و دوشنبه ۹ مرداد در مقابل ساختمان فرمانداری خوی تجمع اعتراضی کردند. به گزارش ایلنا ۹ مرداد «کارگران معترض نساجی خوی مهمترین خواسته های خود را شامل پرداخت منظم حقوق قانونی کارگران، عدم اخراج پرسنل و اخراج ۶ تن از مدیران کارخانه عنوان کرده و تاکید

کردند که تا تحقق خواسته هایشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.»

فرماندار خوی در جلسه شورای اداری این شهرستان، از تجمع اعتراضی کارگران و تعطیلی کارخانه اظهار نارضایتی کرده و گفت: «کارگران حق دارند، ولی در زمانه ای که دیگران به سرعت در حال پیشرفت هستند آیا درست است که ما دست از کار بکشیم و تولید را مختل کنیم؟» (ایلنا ۲۲ مرداد)

تعدادی از کارگران شرکت «البرز دارو» واقع در قزوین روز دوشنبه ۹ مرداد در محل «خانه کارگر» این استان تجمع اعتراضی بر پا نمودند. مدیریت این شرکت قصد دارد که تا پایان شهریور، ۲۱۰ کارگر رسمی و با سابقه این واحد تولیدی را اخراج و کارگران قراردادی را جایگزین آنها کند.

صدها کارگر شرکت ایران خود رو دیزل از روز چهارشنبه ۱۱ مرداد اعتصاب و دست از کار کشیدند. این اعتصاب چند روز طول کشید. کارگران اعتصاب کننده به کاهش ۳۰ تا ۶۰ هزار تومان دستمزد خود اعتراض داشتند.

کارگران شرکت ایران خود رو دیزل بار دیگر روز ۲۴ مرداد در اعتراض به کاهش حقوق خود، با به آتش کشیدن دو اتوبوس در خط تولید، و وارد کردن خسارات به چند دستگاه کامیون، اعتراض خود را نشان دادند.

کارگران اخراجی شرکت واحد روز شنبه ۱۴ مرداد در مقابل اداره کار شرق تهران دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران شرکت «الکترونیک ایران» برای چندمین بار روز شنبه ۱۴ مرداد در مقابل تعاونی این شرکت تجمع اعتراضی بر پا نمودند. این کارگران به عدم دریافت بیش از ۳ سال حقوق و مزایای کاری خود اعتراض داشتند.

کارگران سازمان آب استان قزوین روز دوشنبه ۲۴ مرداد در مقابل وزارت نیرو تجمع اعتراضی بر پا نمودند و خواستار برآورده شدن مطالباتشان شدند. ایلنا ۲۳ مرداد تعداد شرکت کنندگان در این همایش اعتراضی را ۱۵۰ نفر اعلام کرد.

رانندگان تاکسی در شهر بوکان روز ۲۲ مرداد در اعتراض به کاهش سهمیه روزانه بنزین دست به اعتصاب زدند.

باند ولایت، آونگ بین شکاف درونی

و ماجراجویی

بقیه از صفحه ۳

مزبور با نخستین گامهای «آبادگران» برای بهره گیری انحصار طلبانه از غنایم پیروزی بر باند «دوم خرداد» آغاز شد و در این میان به سطح یک چالش جدی برای آن فرا رویداده است. پُر سر و صداترین منتقدان احمدی نژاد و کابینه او در مجلس «اصول گرا» را در میان متحدان پیشین وی از طیف «ایثارگران» می توان سُرُغ گرفت. و هم این طیف با تجربه ای که در انتخابات ریاست جمهوری و در جریان کارزار تخریبی و افشاگرانه ی خود علیه آقای هاشمی رفسنجانی اندوخته است، جدالی مطبوعاتی و اینترنتی علیه احمدی نژاد، اعضای دولت و مدیران بلندپایه وی را سازمان داده است.

انتخابات شوراها نخستین میدان زورآزمایی دو جریانی است که بدون داشتن رقیب جدی، به رویارویی یکدیگر می شتابند. آنها پیش تر با طرح تجمیع انتخابات که نظارت استصوابی شورای نگهبان را به شوراها نیز گسترش می دهد، ریسک بهره برداری از این جدال خانگی توسط «غیر خودیها» را به شدت کاهش داده اند. شکست آبادگران در این کشاکش، به مفهوم تضعیف تعیین کننده آقای احمدی نژاد در برابر رقیبان خود و تقسیم دوباره غنایم است. تحول مزبور، همزمان موفقیت پاسدار قالیباف که با متدی مشابه، در حال آماده شدن برای نقل مکان از شهرداری ام القوا به کاخ ریاست جمهوری است را تثبیت و او را از تیر رس باند آقای چمران در شهرداری دور می کند. هنوز معلوم نیست تمایل آقای قالیباف و باند ایثارگران به جلب نظر حجت الاسلام رفسنجانی به سوی خود، از پراگماتیسمی مرحله ای یا پروژه ای سرچشمه می گیرد. در هر حال، منافع این نزدیکی برای هر دو طرف توجه پذیر خواهد بود.

جدال در متن دو واقعیت و نتایج آن

باید توجه داشت که جدال باندهای موجود در دستگاه قدرت، در متن دست و پا زدن جمهوری اسلامی در بحران مشروعیت داخلی و رانده شدن تدریجی آن به سوی یک بحران خطرناک بین المللی جریان می یابد. امری که به گونه ماهوی، کیفیت متفاوتی به این درگیریها داده و بر شیوه حل و فصل آنها تاثیر تعیین کننده ای به جا می گذارد. خط راهنمای باند ولی فقیه برای غلبه بر ناکارآمدیهای سیاسی و اقتصادی «نظام» که جامعه را علیه آن برانگیخته، به تنها راهکار عملی گرایشهای عضو آن برای سیاست ورزی چه در برخورد به یکدیگر و چه به بیرون، تبدیل گشته است. به همان میزان که جدال باندهای حکومتی با تحمیل انشعاب و اتمیزه کردن دستگاه قدرت، محدودیتهای بیشتری را متوجه آن می کند، از توانایی حکومت برای مدیریت بحران و حفظ مواضع خود به گونه توجه پذیری کاسته خواهد شد. از سوی دیگر، شرایط مزبور، به گونه هشدار دهنده ای امکان دست زدن این یا آن گرایش به ماجراجویی با پیامدهای ویرانگر را در خود ذخیره کرده است. به عنوان نمونه در این نباید تردید داشت که دولت نظامی - امنیتی در صورت مواجه شدن با خطر تضعیف خود، بی گمان مسیر آتش افروزی خارجی را با شتاب بیشتری طی خواهد کرد.

جهان در آینه مرور

انرژی هسته ای یا سوخت فسیلی؟

لیلا جدیدی

امسال هوای گرمی را تجربه کردیم که نزدیک به شکستن رکورد جهانی دمای زمین بود. این رویداد بار دیگر روند حتمی گرم شدن کره زمین را به ما گوشزد کرد.

این امر که دمای کره زمین رو به افزایش است و عامل اصلی آن فعالیتهای بشر می باشد، از سوی دانشمندان جهان بارها تاکید شده است. برجسته ترین عامل افزایش دما در ۵۰ سال اخیر تشکیل گازهای گلخانه ای شناخته شده است. از دهه ۵۰ (میلادی) دانشمندان به این نتیجه رسیدند که گازهای گلخانه ای از سوخت فسیلی ایجاد می شود و می تواند تأثیری جدی بر آب و هوا داشته باشد. گرمای بی سابقه دهه ۸۰ (میلادی) پیش بینی دانشمندان را به اثبات رساند. از همین رو بود که تهدید گرم شدن کره زمین به طور جدی مطرح گشته و اقداماتی در این زمینه آغاز گشت.

سازمان ملل متحد با دست زدن به یک بررسی همه جانبه در این امر پیشقدم شد و با ارایه ۳ جمعیتی تحقیقی در سالهای ۱۹۹۰، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۱ و تحقیقات دو هزار دانشمند از ۱۰۰ کشور اعلام کرد که بالا رفتن دمای کره زمین امری حتمی است.

با این حال، هنوز عده ای بیشتر به دلیل منافعی که دارند ترجیح می دهند که اهمیتی به این واقعیت نداده و آن را رد کنند. این که درجه و شدت و حدت تغییرات آبی در کره زمین و چگونگی و زمان آن هنوز کاملا مشخص نیست، از نیاز مبرمی که رسیدگی به این مساله جهانی را پیش روی قرار داده، نمی کاهد.

نوشتار زیر به بررسی دیدگاه ها، تحقیقات و میزان برخوردی که تا کنون به این امر حیاتی شده است، پرداخته است.

توصیه های آژانس بین المللی انرژی اتمی

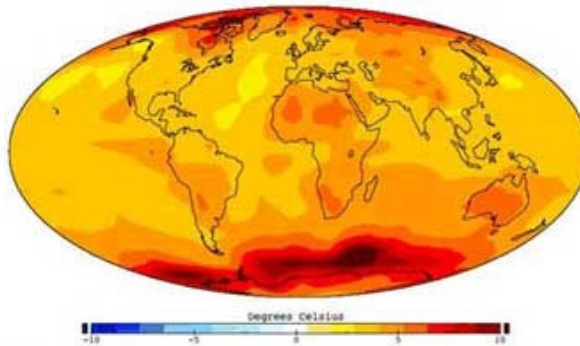
سال گذشته، پیش از نشست رهبران جی - ۸، آژانس بین المللی انرژی اتمی به درخواست رهبران این گروه که خواسته بودند آلترناتیو و استراتژی عملی برای محیط زیست پاک پیدا کند، در گزارشی نتایج تحقیقات خود را به این نشست ارایه داد. آژانس در گزارش مذکور تاکید کرد که چنانچه تکنولوژی کنونی مورد استفاده قرار گیرد، مصرف نفت و برق در جهان به

زمین تغییر مکان دهد، همانطور که ۲۵۰ هزار نفر از مردم حاشیه می سی سی پی حاضر نشدند به محل زندگی پیشین خود باز گردند. در گزارش مذکور آمده است که اگر چه شمار آوارگان ناشی از تغییر محیط زیست و آب و هوا به صدها هزار نفر می رسد اما در صورتی که اقدامی فوری صورت نگیرد، بزودی به میلیونها نفر خواهد رسید.

در حال حاضر میلیونها نفر از مردم شمال و غرب چین روستاهای خود را ترک کرده اند. چین نیز دومین مصرف بالای انرژی فسیلی در جهان را دارا است که به افزایش گازهای گلخانه ای می انجامد. دولت چین برای افزایش رشد اقتصادی خود، بدون توجه به مساله محیط زیست، مصرف گاز، بنزین و ذغال سنگ را به طور مداوم افزایش می دهد.

در بریتانیا امسال درجه حرارت به ۱۰۰ درجه فارنهایت یا ۳۷/۸ سانتیگراد رسید. این دومین بار در تاریخ این کشور بود که دما به این حد رسید. اولین بار نیز کمتر از سه سال پیش بود (در سال

Surface Air Temperature Increase 1960 to 2060



۲۰۰۳ دما از ۱۰ درجه به ناگاه به ۳۸/۵ رسید). دانشمندان معتقدند که این امر و آنچه که ما در سال ۲۰۰۳ در اروپا مشاهده کردیم، دقیقاً روند پیش بینی شده تغییر آب و هوا را بازگو می کند. این تغییرات در اثر وجود گازهای گلخانه ای است که از گاز کربنیک حاصل از سوخت نیروگاه های برق، وسایل نقلیه و سوخت هواپیماها و غیره ناشی می شود. در واقع دانشمندان پیش بینی کرده اند که تا سال ۲۰۴۰، گرمایی که در سال ۲۰۰۳ تجربه کردیم به امری روزمره تبدیل خواهد شد.

انرژی هسته ای و چالشهای آن
اگر چه آژانس بین المللی انرژی اتمی به استفاده کنترل شده از انرژی هسته ای اشاره می کند اما این راه حل نیز با چالشهایی روبرو گشته است. برای نمونه می توان به گرمای شدید تابستان در اروپا و مشکلاتی که در ژنراتورهای انرژی هسته ای ایجاد شد، اشاره کرد. در اواسط ماه ژوئیه، موج گرما سبب شد که کشورهای فرانسه، آلمان، اسپانیا و برخی دیگر از کشورهای اروپایی،

خواهد شد. آژانس همچنین به کارگیری انرژی هسته ای در کشورهایی که استفاده از آن مورد قبول باشد را توصیه کرد.

نگاهی به مهمترین رویدادهای زیست محیطی و واکنش های جهانی به آنها

دولت آمریکا که اتفاقاً بیشترین میزان مصرف انرژی در جهان را دارا است، اقدامات جدی علیه سوختهای زیانبار را رد کرده است، این امر گستاخانه در عدم امضا قرارداد کیوتو تجلی پیدا کرد. یکی از آثار تخریب محیط زیست که نصیب آمریکای شمالی هم شده، آواره شدن یک ربع میلیون انسان در اثر توفان کاترینا بود. اخیراً یک انستیتوی آمریکایی به نام "انستیتوی سیاست کره زمین" در گزارشی ضمن تاکید بر این امر به وضع رو به وخامت کره زمین اشاره کرده و می گوید: "از سال ۱۹۷۰ درجه متوسط زمین ۱ درجه افزایش یافته اما تا سال ۲۱۰۰ به افزایشی ۱۰ درجه ای خواهد رسید." از همین روست که جمعیت مسکونی کنار ساحلها ناچار خواهند شد به دیگر نقاط

نرمهای زیست محیطی خود را زیر پا گذارند. این در حالی صورت گرفت که درجه حرارت دستگاههای خنک کننده نیروگاه های هسته ای به ماکزیمم رسیده بود. دولت فرانسه در ۲۴ ژوئیه اعلام کرد که نیروگاه های هسته ای کنار رودخانه اجازه خواهند داشت تا آب گرم سیستمهای خنک کننده خود را که دمای آن به بیش از حد تعیین شده رسیده است، به رودخانه بریزند. این اقدام در جهت جلوگیری از قطع برق صورت گرفت.

فرانسه دارای ۵۸ نیروگاه هسته ای است که ۸۰ درصد مصرف برق کشور را تامین می کند. ۳۸ نیروگاه در کنار رودخانه ها قرار دارند و از آنها برای دستگاههای خنک کننده نیروگاه های هسته ای استفاده می شود. خشکسالی و پایین رفتن آب در اثر گرما، باعث بسته شدن برخی از نیروگاههای گشت. ریختن آب گرم با دمای بالا در رودخانه ها، غلظت امونیاک را افزایش داده و آب را به مواد سمی آلوده می کند.

دولت فرانسه سالهاست که از به کارگیری انرژی هسته ای دفاع کرده است و ادعا می کند که این روش به سود محیط زیست است و مانع ازدیاد دمای کره زمین می شود.

نمونه دیگر نیز در اسپانیا رخ داد که یکی از نیروگاههای هسته ای بزرگ به همین دلیل تعطیل شد.

آقای هرمن شیر، یکی از متخصصان آلمانی انرژی در این باره می گوید: "ما باید به فکر پیدا کردن راه جدیدی برای تامین سوخت باشیم" و می افزاید: "باید هر چه سریع تر به استفاده از انرژی هسته ای خاتمه دهیم."

بحران انرژی هر روز افزایش می یابد. سوخت فسیلی به این بحران افزوده است و انرژی هسته ای نیز پاسخگو نخواهد بود. برای کوتاه مدت توصیه های آژانس انرژی اتمی می تواند رشد این بحران را به تعویق بیندازد اما در نهایت چه راه حلی در برابر ما خواهد بود؟

پیشنهادات فعالان محیط زیست و راه حل های نیروهای مدافع صلح و سوسیالیسم

در نشست سال جاری رهبران کشورهای صنعتی، جی ۸، آنها بی توجه به تهدیدات جدی تخریب محیط زیست، بر سر برنامه ای به نام "امنیت انرژی جهانی" به توافق رسیدند. جی ۸ در این مصوبه همچنان بر به کارگیری نفت و دیگر سوختهای فسیلی و انرژی هسته ای تاکید کرده و بدون آنکه برنامه ای روشن و قاطع جهت رویارویی با تهدیدهای ناشی از تغییر آب و هوا داشته باشد، همچنان آمادگی خود را برای صرف میلیاردها دلار هزینه در امر توسعه و اکتشاف نفت، انرژی هسته ای بقیه در صفحه ۸

تاثیر جنگ حزب الله و اسرائیل بر روابط دیپلماتیک منطقه

جعفر پویه

پس از ۳۶ روز موشک پرانی و بمباران و تخریب خانه های مردم، جنگ بین اسرائیل و حزب الله وارد یک دوره آرامش شد؛ آرامشی که حاصل توافق دو طرف این درگیری نیست بلکه، حاصل تصمیم گیری کسانی است که در خارج از منطقه بر سر شیوه کنترل آن به چانه زنی مشغولند. به جز ویرانی خانه های مردم و نابودی بخشی از ساختارهای زیربنایی لبنان، این درگیری محصول دیگری نیز به بار آورد و آن این که، روابط بین کشورها و نیروهای مطرح از این به بعد از نوع دیگری خواهد بود و شکل جدیدی خواهد یافت. برای توضیح بیشتر و دقت در این امر باید به این روابط قبل از درگیری مراجعه کرد و چگونگی آن را بررسی کرد. برخورد این جریانات و موضعگیری آنها در طول درگیری و شکل برخورد آنها با زد و خورد اخیر به باز تعریف روابط بین آنها منجر خواهد شد. در این حالت می شود دریافت که به چه دلیل می توان گفت این روابط از این به بعد به گونه سابق نخواهد بود و در شکل و محتوا دچار دگرگونی کمی و کیفی خواهد شد.

با آدم ربایی حزب الله لبنان از منطقه اسرائیلی درگیری شروع شد. به ظاهر این عمل برای خارج کردن حماس از زیر ضرب نیروهای اسرائیلی با علتی مشابه صورت می گرفت ولی هراس از وارد شدن به بحران دست ساخته رژیم حمایت گر حزب الله برای تاثیر بر پرونده اتمی در شورای امنیت، باعث شد که بسیاری سعی کنند پای خود را از این مهلکه بیرون بکشند. به همین دلیل، به محض بالا گرفتن جنگ و موشک پرانی، حماس سر در لاک خود فرو برد و همچون کسانی که موضوع ارتباطی با آنان ندارد، شتر - دیدی - ندیدی کرد. سکوت مطلق حماس و فلسطینیان در این موقعیت که در بین دو تیغه قیچی حزب الله و ارتش اسرائیل قرار داشتند، نشان از پختگی آنها دارد. فلسطینیها با همه ضعفهایی که دارند، نشان دادند در کوره مبارزه آنقدر آبدیده هستند که آلت دست کسانی همچون شیخ حسن نصرالله که خود آلت فعل رژیم ولایت فقیه است نشوند. با این وضعیت باید از این به بعد روابط بین دولت اسرائیل و فلسطینیان از یک طرف و رابطه بین حزب الله به عنوان کاسه داغتر از آش و حامیانش با جریانات فلسطینی را از طرف دیگر به گونه دیگری دید. زیرا نا گفته پیداست که نیروهایی که خود را به عنوان دولت

خود مختار فلسطین تعریف می کنند، باید در روابط دیپلماتیک با دولتها و جامعه بین الملل حساب خود را از حزب الله به عنوان یک نیروی یاعی و غیر قابل کنترل دولت متبوع خود جدا کنند. در این میانه آنکه منزوی خواهد شد، تلاش خواهد کرد با حیلله های متفاوت جای خالی این هم پیمانان را پر کند و دست به اقداماتی بزند که از قبل غیر قابل پیش بینی است و چگونگی آن به موقعیتهای پیش آمده و توازن نیروها در منطقه و جهان بستگی دارد. در داخل لبنان نیز بخشی از نیروهای سیاسی و نظامی و طرفداران آنها سعی خواهند کرد که به دنبال مسبب ویرانیها بگردند و به طبع انگشت اشاره آنان به سوی حزب الله نشانه خواهد رفت. جدای از این، کشور لبنان که سالها طعم تلخ جنگ داخلی را چشیده، هر لحظه امکان از کنترل خارج شدن نیروها را دارد و بعید نیست که بار دیگر همسایگان اسلحه ها را به روی یکدیگر نشانه روند و بر آتش برافروخته شده از این عمل، نان کسانی برشته شود که سعی دارند به شیوه فیزیکی حزب الله را از میان بردارند و با برپایی آشوب داخلی، استخوان لای زخم لبنان باقی گذارند و از آب گل آلود ماهی بگیرند.

دولت سوریه که در طول درگیریها از ترس گسترش آتش جنگ چندان جدی ظاهر نشده بود، در پایان درگیری بار دیگر به رجز خوانی برخاست و با هارت و پورت خواستار جنگ و نابودی دولت اسرائیل شد. این ادعاهای پوچ و خالی از هرگونه عمل، هر چند برای مصرف داخلی هم ابراز شده باشد، سوریه را به جایی خواهد برد که تاوان پرداخت هزینه آنرا به راحتی ندارد. زیرا در موقعیتی که بشار اسد قرار دارد، باد چندان موافق بادبانی که برافراشته نمی وزد و امکان در افتادن به گردابی مهلک را امکان پذیر می کند. سهم خواهی از آنچه "پیروزی حزب الله" نامیده می شود برای حزب بعث سوریه گران تمام خواهد شد. جدای از آن، در همسایگی سوریه با ارتش آمریکا (از جانب عراق) و در تیر رس قرار داشتن از طرف ارتش اسرائیل، وضعیت نامطلوبی را برای آن به وجود آورده است. مستقل از درگیریهای لفظی بین سوریه و آمریکا، ترکیه همسایه شمالی سوریه هم پیمان آمریکاست که روابط بسیار خوبی نیز با اسرائیل دارد. کنترل هواپیماهای ایرانی که به مقصد سوریه در پرواز بودند در زمان درگیریها نشان داد که در مواقع لزوم ترکیه به جانب

قدرت برتر میل می کند و چندان پایبند روابط همسایگی و همجواری با ایران و سوریه نیست.

در عراق دولت دست نشانده آمریکا با پس زمینه ایدئولوژیک آنقدر درگیر مشکلات داخلی است که فراموش می کند اسرائیل دشمن از پیش تعریف شده است. مقتدا صدر و داروئسته لشگر مهدی چنان درگیر سنی کشی هستند که ریختن خون برادران هم میهن خود را به جنگ با دشمن ایدئولوژیک ترجیح می دهند. دولت نوری المالکی، نظامی کار سابق اخوان المسلمین آنقدر دست آموز شده است که هوس قدس نکند. اما در لایه لای این دولت جریانی همچون مجلس اعلائی انقلاب اسلامی عراق قرار دارد که قرار بود حکومتی مشابه آنچه اربابانش در ایران علم کرده است، بسازد. اعتقاد این جریان به ولی فقیه و حکومت مطلقه آن این روزها در محاق قرار دارد و رویای اربابان خود را کم رنگ تر می تاباند. مجلس اعلا که برای تحقق شعار "راه قدس از کربلا می گذرد" ساخته و پرداخته شده است، در طول جنگ به کار خود مشغول بود و نشان داد که چندان پروای برقراری خلافت اسلامی در سرتاسر منطقه را ندارد. با این حال باید دانست که آیا سکوت جریان دست ساز جمهوری اسلامی از روی تقیه است یا این که به همان سهم رسیده در عراق بسنده کرده و مابقی جریان را به امید خدا رها کرده است.

در هر حالت این شبهه وجود خواهد داشت که از نظر ایدئولوژیک این جریانات چندان استواری سخنگوی رژیم ولایت فقیه یعنی، احمدی نژاد را ندارند. با این حال، در روابط دیپلماتیک یک طرفه شده از این به بعد آنها نخواهند توانست سنگ رژیم ولایت فقیه را به سینه بزنند زیرا جنگ حزب الله و اسرائیل حداقل این دستاورد را داشت که آن را به عنوان یک جنگ افروز و بحران ساز و مدافع گروهی تروریست زیر ضرب قرار دهد و ارتباط هر گروه و جریانی با آن می تواند با این عناوین مورد سنجش قرار گیرد و باعث دردسر و مشکل شود. از این به بعد، این ارتباطات کمتر و از سطح ایدئولوژیک به سیاسی تغییر مکان خواهد داد و رژیم ولایت فقیه عنوان پدر خواندگی خود و اتوریته اش بر آنها را از دست خواهد داد. ضعف ارتباط با جریانات درگیر در عراق به عنوان یک شکست بزرگ برای رژیم خواهد بود که همه تلاش خود را می کند تا تسلطش بر آنها را به عنوان یک امتیاز در معادلات بین

المللی به کار گیرد. هرچند در طول درگیریها فرانسه و کمتر آلمان تلاش کردند تا رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان یک پای مذاکرات لبنان وارد کنند اما قاطعیت اسرائیل و مخالفت آمریکا باعث شد که او از این پروسه بیرون بماند و بخشی از خواسته اش در عرصه بین الملل به عنوان یک شریک قابل اعتماد و قابل مذاکره تحقق نیابد و دست خالی از آن بیرون آید. هرچند رژیم جمهوری اسلامی سعی می کند با شعارهای پرسروصدا و هزینه کردن مبالغ گزافی همچنان جا پای خود را محکم سازد (کاری که صدام در گذشته در فلسطین می کرد) اما در دراز مدت این سیل چرب کردنها با کسر مبلغ اهدایی سیر نزولی می گیرد و نمی تواند همچنان پایدار باقی بماند.

عربستان سعودی که سالها خود را رهبر جهان عرب و میاندار میدان مذاکره بین اسرائیل و فلسطین معرفی می کرد، حال دیگر آفتاب سردستگی گروههای تروریست و جنگجوی اش به سر آمده است. در لبنان رفیق حریری را بمبی از صحنه پاک شد و درگیری حزب الله با اسرائیل، انزوای چند سال اخیر عربستان را بیشتر کرد. انگ القاعده از یک طرف و ترس از رژیم ولایت فقیه از طرف دیگر، حاکمان آل سعود را به کنار رینگ رانده است. هر چند هنوز گروههای جنگجوی مورد حمایت آنها در پاکستان و افغانستان و آسیای میانه با درگیریهای منطقه ای تخصص شیعه کشی خود را به رخ می کشند اما در گرما گرم زد و خورد حزب الله و اسرائیل، عربستان سعودی قرارداد سنگینی برای خرید جت های جنگنده ساخت اروپای متحد امضا کرده است. این خرید تسلیحات فوق مدرن بی تردید برای مبارزه به جانب غرب یعنی، اسرائیل نیست. درحالی که عربستان سعودی از حمایت همه جانبه آمریکا برخوردار است، می توان حدس زد که این گونه خریدها برای روز مبادا است و به احتمال خانواده آل سعود با مشاورت برادران بزرگتر به آن مبادرت کرده است.

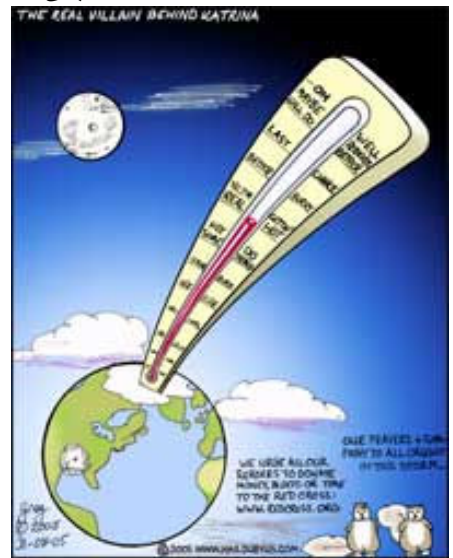
رژیم جمهوری اسلامی که تمام هم و غم خود را بکار گرفته که خود و حزب الله را برنده جنگ اعلام کند، در گام اول از زبان منوچهر متکی اعلام می کند که حاضر به مذاکره درباره تعلیق غنی سازی است. این تغییر موضع از رد همه پیشنهادات به پذیرش آن، یکی از ثمرات پر خیر و برکت جنگ برای آنهاست. هزینه سرسام آور این جنگ بر دوش رژیم تهران سنگینی می کند و فقط تا زمانی که قیمت نفت همچنان سیر صعودی دارد، او می تواند بخشی از سر ریز آنرا در چنین جاهایی مصرف کند. اما با اولین طلبه تحریم که باعث خواهد شد این درآمدها سیر نزولی پیدا کند، آنوقت دیگر این رژیم ولایت فقیه است

بقیه در صفحه ۸

جهان در اینه مرور

بقیه از صفحه ۶ و طرحهای وابسته به آن اعلام کرد. رهبران کشورهای عضو جی - ۸ که شامل ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، آلمان، ژاپن، استرالیا و روسیه می شوند، انرژی هسته ای را به عنوان آلترناتیو عملی در راه حفظ محیط زیست شناختند.

ما، هم نظر با فعالان جنبش حفظ محیط زیست، بر این باور هستیم که این آلترناتیو



مناسبی نیست زیرا راکتورهای هسته ای نه تنها بسیار خطرناکند بلکه، مخارج بسیار بالایی داشته و ساخت آنها سالها طول می کشد و از سوی دیگر، نیاز به سوسپندهای دولتی خواهد داشت.

این در حالی ست که اگر هزینه هنگفت ساخت راکتورها صرف تحقیقاتی با هدف یافتن راههایی برای کاهش گاز کربنیک و صرف جویی در مصرف انرژی شود و از سوی دیگر، به تحقیق و توسعه در امر انرژی قابل باز یافت و باز سازی و رسیدگی به اکو سیستم جنگها پرداخته شود، نتایج حاصله کم خرج تر و امن تر خواهد بود.

در حال حاضر کشورهای عضو جی - ۸ برای توسعه انرژی هسته ای صد ها میلیارد دلار صرف پرداخت سوسپندها می کنند اما همزمان از پرداخت رایانه برای گزینه های دیگری مانند باد، آب، و انرژی خورشیدی خودداری می کنند.

کشورهای عضو جی - ۸ ۱۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل می دهند اما ۴۵ درصد گاز کربنیک را که توسط انسان تولید می شود، ایجاد می کنند. مردم بومی و فقیر که آسیب پذیر تر هستند، باید خسارات و لخرجهای کشورهای ثروتمند را متحمل شوند.

مایک هودما، یکی از منتقدین سیاستهای زیست محیطی جی - ۸ که به همراه دیگر

گروه های فعال محیط زیست اقدام به برگزاری تظاهرات متعددی در آمریکا کرده است می گوید: "۲۰ کمپانی که بزرگترین شرکتهای نفتی در جهان هستند، در کشورهای عضو جی - ۸ استقرار دارند" او ادامه می دهد: "اینها هستند که از لذت منافع سیاست "درهای باز" با دولتهای خود بهره مند می شوند. بنابراین شگفت آور و غیر قابل انتظار نیست که این کمپانیها بزرگترین آلوده کنندگان محیط زیست باشند."

جالب توجه است که حتی دانشمندانی که با گروه جی - ۸ در این زمینه همکاری می کنند نیز به این تصمیم معترض بوده و نظرات انتقادی خود را ارایه داده اند. از سوی دیگر، پس از میتینگ ۳ روزه جی - ۸، یک ائتلاف جهانی که از گروه های جوانان ۲۰ کشور تشکیل می شود از رهبران این نشست خواست که تصمیم خود را بازنگری کنند. واکنش این ائتلاف پس از کشف مدارکی که حاکی از اختصاص ۱۷ تریلیون از جانب جی - ۸ برای منابع انرژی که قابل باز یافت نیستند، صورت گرفت.

ائتلاف مزبور در بیانیه ای خطاب به جی - ۸ می نویسد: "این تصمیم جهان را به ازدیاد گازهای گلخانه ای که به تغییرات خطرناک و غیر قابل بازگشتی خواهد انجامید، سوق می دهد."

قابل توجه است که چندین گروه فعال در اعتراض به تصمیمات جی - ۸، در محل این نشست دست به اعتراض زدند.

همچنین اعتراضات گسترده دیگری در روسیه و دیگر کشورهای عضو جی - ۸ بر گزار شد، این اعتراضات به ونزوئلا، نیوزلند و هلند نیز کشیده شد.

در حال حاضر ۸۰ درصد انرژی از نفت، ذغال سنگ و گازهای طبیعی به دست می آید. در یک بررسی توسط انستیتو دیده بان جهانی ذکر گشته است که بالا رفتن قیمتها نیز تا کنون تاثیری بر کاهش مصرف نداشته است. برنامه هایی که به صرفه جویی سوخت در کشورهایی با سهم بیشتر در آلوده کردن هوا می پردازد، از دیگر راههایی هستند که می باید بدان توجه دقیق تری داشت.

از همین روست که جمهوری اسلامی با صرف مخارج سنگین برای ساخت بمب اتم که ادعا می کند جهت تولید انرژی هسته ای است، در ردیفی حتی بدتر از اعضا جی - ۸ قرار می گیرد. زیرا جمهوری اسلامی بدون داشتن تکنولوژی پیشرفته و اقداماتی که نشانی از توجه به محیط زیست در آن نیست، دست به غنی سازی اورانیوم می زند. چنانچه ادعای انرژی پیشرفته بویی از واقعیت داشت، هزینه هنگفتی که صرف خرید تکنولوژی چرنوبیلی از روسیه یا بازار سیاه عبدالقادر خان می شود، صرف یافتن و به کارگیری راههای بهتر و سالم تری می گشت که اکنون دانشمندان جهان آنها را قویا توصیه می کنند.

تاثیر جنگ حزب الله و اسرائیل بر روابط دیپلماتیک منطقه

بقیه از صفحه ۷

که باید کمربند را سفت تر کند.

تاثیر دیگر این زدوخورد، در باز تعریف روابط رژیم با جریاناتی است که در طول درگیری موضوعی خلاف موضعگیری او اتخاذ کردند. توهین مقامات رژیم از تریبونهای مختلف در زمان این درگیریها، باعث تغییر موضع آنها نشد اما بعدها همین کسان با بازگشت دادن این اهانتها و تلافی آنها، به رژیم جمهوری اسلامی حالی خواهند کرد که هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد. در غرب و جنوب

یعنی، عراق و شیخ نشینان حاشیه خلیج فارس وضعیت تغییر می کند. تهدید امارات توسط تهران که به آنها اعلام شده است در صورت بروز هرگونه درگیری اولین هدف رژیم تهران هستند، باعث خواهد شد که شیوخ حساب کار دستشان بیاید و علاج واقعه را قبل از وقوع چاره کنند. در عراق نیز همچنان که در بالا اشاره کردم، احتمال تغییرات جدی وجود دارد. ترکیه نیز با نشان دادن همکاری

با طرفهای دیگر درگیری حساب خود را جدا کرده است. حال می ماند همسایگان شرق و شمال کشور. پاکستان که با شل - کن - سفت - کن خط لوله گاز به هند همچنان در انتظار درآمد باد آورده و مقداری گاز ارزان قیمت است، به این نتیجه خواهد رسید که چیزی به او نخواهد ماسید. زیرا این وعده های سر خرمن تنها بازی با موضوع انرژی و نشان دادن در باغ سبزی است که او را کمی بی خاصیت و در مناقشات ایدیولوژیک بی طرف کند. پرونده بمب اتمی و واسطگی پاکستان در خریدهها برای ادامه این پروژه دیگر چندان دندان گیر نیست. زیرا پرده بیش از آن برافشاده که سکوت پاکستان دردی از رژیم سالاران مورد حمایت رژیم در افغانستان با دریافت حق و حساب از تک و تایی تفنگ کشی افتاده اند و دیگر امیددی به آتش افروزی آنها در افغانستان نمی رود. تنها خبر می رسد که القاعده بار دیگر سر برآورده و به در بعضی مناطق دست بالا را دارد. اینجاست که بار دیگر رژیم برای پیشبرد امورات خود به آنها خواهد پرداخت و بار دیگر شعار "دشمن دشمن من، دوست من است" برایش

پر رنگ خواهد شد. در چنین صورتی مشکلی که پیش می آید بزرگتر از آن است که بتوان از آن گریخت و ارتباط با القاعده می تواند طناب دار رژیم ولایت فقیه شود. هر چند این ارتباط از گذشته به طور کجدار و مریز وجود داشته و رفت آمد افراد القاعده از افغانستان و پاکستان به عراق تنها به لطف رژیم جمهوری اسلامی ممکن بوده است. اینها همه به معنای در تنگنا قرار گرفتن رژیم به دلیل جنگ افروزی در لبنان است.

اما جدا از روابط بین کشورها، ترکش این جریان به جاهای دیگری نیز اصابت خواهد کرد. از جمله، بخشی از اپوزوسیون نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. بیش از همه بخشی زیر ضرب می رود که باید حساب خود را با طرفهای این درگیری مشخص کند. اکبر گنجی که این روزها در آمریکا و در بین هنرپیشه های هالیوود مانور دموکراسی خواهی می دهد، دچار مشکل اساسی خواهد شد. زیرا او یک خط در میان از دوستان خود حرف می زند و همه می دانند که این دوستان سعید حجاریان و تعدادی از اعضا باند مجاهدین انقلاب اسلامی هستند. صرف نظر از روابط این جریان با دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی رژیم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در زمان حمله آمریکا به افغانستان، با انتشار اعلامیه ای از طالبان حمایت کرده و خواستار اعزام نیرو برای حمایت از آنها و حضور در جبهه جنگ به نفع طالبان شده بود. حال که زمان حساب رسی و کشیدن پرونده اعمال "دموکراتهای" حامی طالبان روی میز می شود، این گنجی است که باید با دوستانش در تهران تعیین تکلیف کند. زیرا کم کم دارد دوره یک شهر و دو نرخ به پایان می رسد و همچون رژیم ولایت فقیه که خود را یکدست کرد، اختلاف در چگونگی برخورد با بحران سازان نیز یکدست می شود.

بدون اجرای عدالت، صلح ممکن نیست

«الف. آناهیتا»

سرانجام پس از بیش از یک ماه جنگ بین اسرائیل و حزب الله، قطعنامه ارایه شده مشترک از سوی آمریکا و فرانسه به شورای امنیت سازمان ملل، به تصویب رسید. قطعنامه ۱۷۰۱ خواستار آتش‌بس شد و از طرفین درگیر خواست از به کارگیری نیروی مسلح علیه یکدیگر خودداری نمایند. علاوه بر این، نیروی ۱۵ هزار نفری حافظ صلح برای نظارت بر متارکه جنگ و آتش‌بس داریم، در جنوب لبنان مستقر خواهد شد. ارتش اسرائیل اعلام کرد که آخرین نفرت ذخیره خود را از جنوب لبنان بیرون می‌کشد اما سپاهیان منظم در منطقه حضور خواهند داشت.

اگر چه خلق سلاح حزب الله یکی از مفاد قطع نامه مذکور است اما این گروه پیشنهاد خلق سلاح را رد کرد و با جایگزینی نیروهای منظم ارتش لبنان در مناطق زیر کنترل خود نیز مخالفت کرد. شیخ نبیل قاوون، از رهبران بلند پایه حزب الله تاکید کرد، تا زمانی که ارتش لبنان و صلح‌بانان سازمان ملل متحد در جنوب کشور مستقر نشده باشند، حزب الله حق نبرد با نیروهای اسرائیلی در خاک لبنان را برای خود محفوظ نگاه خواهد داشت. دان حالتس، رییس ستاد ارتش اسرائیل نیز تاکید کرد، نیروهای این کشور تا زمان استقرار شمار قابل ملاحظه ای از نیروهای صلح ملل متحد در جنوب، لبنان را ترک نخواهد کرد حتی اگر این امر ماهها به طول انجامد. اکنون وضعیت به گونه ای است که هر دو طرف مناقشه خود را سرمست و پیروز از آتش افروزی اعلام می‌کنند. حزب الله خود را پیروز در نبرد با اسرائیل دانسته و ارتش اسرائیل نیز اعلام کرد که به محاصره زمینی و دریایی لبنان تا خلق سلاح کامل حزب الله ادامه خواهد داد.

با این که اعزام نیروی پانزده هزار نفری حافظ صلح به جنوب لبنان در اولویت قرار دارد اما ترکیب این نیرو هنوز مشخص نشده است. از سوی دیگر، اسرائیل با شرکت کشورهای مسلمان عرب که با اسرائیل مناسبات ندارند در قوای بین المللی حافظ صلح مخالف کرد و رییس جمهوری لبنان، امیل لحود نیز با اعزام سربازان ترک به منطقه به دلیل پیمان نظامی ترکیه و اسرائیل به مخالفت برخاست. نگاهی اجمالی به ادامه شاخ شانه کشی از طرف اسرائیل و گروه حزب الله حتی بعد از قبول قطعنامه ۱۷۰۱ از یکسو و اختلاف بر سر ترکیب نیروهای حافظ

صلح از سوی دیگر، مساله آتش بس را با شک و تردید روبرو می‌سازد. اکنون مردمی که از سیر بلا شدن توسط حزب الله و عداوت بمبها و موشکهای اسرائیل جان سالم به در برده اند، با ویرانه خانه های خود و بمبهای منفجر نشده و افزایش بحران بیکاری ۲۰ درصدی روبرو هستند. روزنامه الحیات میزان خسارتهای وارده بر لبنان را بیش از ۹ میلیارد دلار برآورد کرد و روزنامه الشرق الاوسط اعلام کرد که این خسارتهای در حالی پدید آمده که لبنان حدود ۳۹ میلیارد دلار نیز بدهی خارجی دارد. در حالی که دولت لبنان تعداد کشته شدگان افراد غیر نظامی در جنگ را ۱۱۸۱ و تعداد زخمی شدگان را ۴۰۵۱ اعلام کرد، دولت اسرائیل تعداد کشته شدگان را ۱۵۷ و تعداد مجروح شدگان را ۴۰ اعلام کرده است. لبنان در شرایط بسیار فوق العاده ای قرار گرفته است. ۶۵۰ هزار مهاجری که از جنوب لبنان به مناطق کمتر ویران شده و یا سوریه مهاجرت کردند، خواهان بازگشت به خانه و کاشانه خود هستند. بر اساس گزارش کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، ۱۱۰ هزار نفر از سوریه از طریق کوه و جاده و صدها هزار تن از ناحیه های دیگر به طرف جنوب لبنان در حرکت هستند. هنوز صد هزار مهاجر در سوریه و ۲۳۳ هزار نفر در بخشهای دیگر لبنان باقی مانده اند. بر اساس گزارشات نمایندگیهای مختلف، مهاجرتی که در حال بازگشت به خانه های خود هستند می‌توانند در مقابل خطرات جدی قرار بگیرند. گروه پایه ای تحقیقات مین انگلیسی اعلام کرده است که میزان بمبهای منفجر نشده در جنوب لبنان بسیار بیشتر از میزانی است که در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ پخش شده و حداقل سه هفته برای پاک کردن بمبها در روستاها وقت لازم است. تقریباً ۴۵ درصد کودکان لبنانی از جنوب لبنان مهاجرت کردند که در صورت بازگشت، این بمبهای منفجر نشده می‌تواند جان آنها را شدیداً به خطر اندازد.

کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری، درست پس از بازگشت از اسرائیل و در پاسخ به یک پرسش درباره تلفات جانی، صدمات انسانی و حجم گسترده ویرانی در لبنان گفت: «این جنگ در لبنان و پیامدهای آن دردهای زایمان خاورمیانه جدید است.» بی شک منظور خانم رایس از خاورمیانه جدید، پروژه خاورمیانه بزرگ یا همان صدور

دموکراسی است که در واقع به معنای گسترش و تحکیم پلامانج آمریکا بر منابع فراوان نفت و گاز و انتقال آن و تثبیت برتری نظامی اقتصادی سیاسی آمریکا بر جهان که در آن نقش جنگ طلبانه و توسعه طلبانه اسرائیل به عنوان شریک منطقه ای آمریکا در منطقه کاملاً مشخص است، می باشد. البته خانم رایس باید متوجه باشد که به طور مسلم کسی که باد می‌کارد، توفان درو خواهد کرد. عملکرد آمریکا و هم پیمانانش دولت اسرائیل در منطقه، به گونه تاریخی محصولی جز تشدید تنشها و مناقشات که در نتیجه به تولید گروه های ارتجاعی در منطقه کمک کرده نداشته است. نشست دولت آمریکا و دولت فرانسه، روبرو شدن دو قدرتی است که یکی خود را صاحب بی چون چرای دنیا می‌داند و تلاش می‌کند سکان جهانی سازی سرمایه را به تنهایی در دست داشته باشد و دیگری به دلیل به خطر افتادن منافع استراتژیک خود در لبنان (همچون عراق) و انقراض قطعنامه های آتش بس قادر نیست مسایل ملت‌های خاورمیانه و سالها جنگ و کشتار را حل و فصل کند.

خواستهای توسعه طلبانه دولت اسرائیل آنچنان در فرهنگ سیاسی آن ریشه دوانیده است که مساله صلح با مصر یا اردن و احترام این دولت به پرنسپها و اعلامیه ها در رابطه با حق مردم فلسطین و حتی امروز قطعنامه آتش بس در جنگ با لبنان را مورد سوال قرار می‌دهد. دولت اسرائیل فاقد قانون اساسی کامل و مدون می‌باشد از این رو، حدود مرزها، روابط قوای مقتنه و روابط متقابل مردم و حکومت در آن مشخص نیست. اسرائیل تنها کشور در جهان است که از پذیرش مرزهای معین کشور خود امتناع کرده است و به صورت آشکار اعلام کرده است که پایبند قطعنامه های سازمان ملل نیست. از سال ۱۹۵۵ تا سال ۱۹۹۲، بیش از ۶۰ قطعنامه از طرف شورای امنیت سازمان ملل در محکومیت، شفاعت و فراخوان در رابطه با دولت اسرائیل صادر شده که به هیچکدام اهمیت نداده است. دولت اسرائیل قرارداد اسلو که در ۱۳ سپتامبر سال ۱۹۹۳ بین این کشور و جنبش آزادیبخش فلسطین امضا شده بود را با این که مفادش را خود دیکته کرده بود، زیر پا گذاشت و این متوسل به خشونت نظامی گردید. و این با وجود تصور جهانی بود که گمان می‌برد این قطع نامه صلح و امنیت برقرار می‌کند و یک دولت خودگردان

فلسطینی در کرانه باختری رود اردن و غزه ایجاد می‌کند.

در تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۹۷۵، مجمع عمومی سازمان ملل با ۲۲ رای مثبت و ۳۵ رای منفی و ۳۲ رای ممتنع، قطعنامه ۳۳۷۹ را به تصویب رساند که بر اساس آن صهیونیسم را شکلی از نژادپرستی و تبعیض نژادی شناخت. این قطعنامه در آگوست سال ۱۹۷۵ طی کنفرانس وزرای خارجه کشورهای متفاوت امضا شد و به طور مکرر صهیونیسم را تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی به حساب آورد، از همه کشورهای می‌خواهد با صهیونیسم به عنوان تفکری نژادپرستانه مخالفت کنند. پرچم اسرائیل که تمامی اجزای آن از سمبلها و ارمانهای دین یهود تشکیل می‌شود، نشان از عمق تمامیت خواهی نظرگاه ایدئولوژیک آن دارد. دو نوار بالا و پایین پرچم سمبلی است از دو رودخانه نیل و فرات که بر اساس شعار معروف «از نیل تا فرات سرزمین صهیون است» طراحی شده است. ایدئولوژی صهیونیسم از چهار عنصر اصلی تشکیل می‌شود: بسط و گسترش قوای نظامی وابسته به بنیادگرایی مذهبی، پذیرش نژادپرستی، روح اشباع شده در قالب مسیح موعود و خواسته محکمی که هر معیار دموکراتیک را زیر سوال می‌برد. اگر تمام این معیارها را کنار هم بگذاریم، ترکیبی کلی از یک پارانویا شکل می‌گیرد که برای اسرائیل از دنیا تصویری وحشتناک ارایه می‌دهد، به گونه ای که هستی همه جهان چه در خاورمیانه چه در نقطه دیگر را تهدیدی علیه بقای قوم یهود می‌داند. از سال ۱۹۹۶ ارتش اسرائیل به یک نهاد مستقل در رابطه با دولت تبدیل شد که شیمون پروز، نخست وزیر، خودگردانی آن را به رسمیت شناخت، ناتانیاهو بدان قدرت بخشید و باراک آن را حزب سیاسی حقیقی خود کرد. از آنجا که سیاستهای دولت اسرائیل به عنوان یک دولت ایدئولوژیک، بر ادامه جنگ افروزی در منطقه در راستای توسعه طلبی بنا شده است، قطعنامه آتش بس کونی نیز به خصوص وقتی نه توسط طرفین آتش افروزی بلکه، از طرف دولتهای ذی نفع در این بحران ارایه می‌شود، بسیار متزلزل تلقی می‌شود. البته این مساله با انتشار خبر حمله اسرائیل به روستای "بودی" با اینکه تنها ۵ روز از پذیرش قطعنامه آتش بس می‌گذشت، کاملاً مشخص و مبرهن است.

در سوی دیگر منازعه، حزب الله به عنوان یک تشکیلات ایدئولوژیک که موجودیت کشور اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسد قرار دارد. «حزب الله» که خود را گروه ستم‌دیدگان روی زمین می‌داند، قصدش تشکیل یک دولت اسلامی در جهان عرب و آزاد سازی قدس و تمامی بخشهای تحت تسلط اسرائیل است. ایدئولوژی حزب الله از رژیم حاکم بقیه در صفحه ۱۰

آغازی بر پایان جنگ

ناگزیری بر خورد دو گانه

بدون اجرای عدالت، صلح ممکن

نیست

با قطعنامه لبنان

زینت میرهاشمی

اعضای شورای امنیت سازمان ملل روز شنبه ۲۱ مرداد پس از یک ماه جنگ خونین و گسترده اسرائیل و حزب الله در لبنان، به اتفاق آراء قطعنامه ۱۷۰۱ را به تصویب رساندند. این قطعنامه «توقف اعمال خصمانه و جنگی در این کشور» را لازم می شمارد. آتش بس، استقرار نیروهای ارتش لبنان و نیروهای سازمان ملل در مرز لبنان و اسرائیل و نیز خروج اسرائیل از مناطق اشغالی از جمله مواد آن است. در یک ماه اخیر بیش از هزار نفر از مردم بی دفاع و غیر نظامی در جنگی ویرانگر جانشان را از دست دادند. لبنان تبدیل به ویرانه ای شد که رنج آن سالهای طولانی بر مردم این کشور سنگینی خواهد کرد.

بعد از اعلام خبر تصویب قطعنامه شورای امنیت در باره آتش بس بین حزب الله و اسرائیل، پایوران جمهوری اسلامی شتابزده واکنش نشان دادند. منوچهر متکی وزیر امور خارجه رژیم، اظهار نارضایتی در مورد قطعنامه نموده و آن را در راستای منافع اسرائیل و نیازمند اصلاح دانست.

علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، این قطعنامه را منفی دانسته و گفت: «در تعابیر به کار رفته و مسائل حقوقی مندرج در این قطعنامه به صورت جانبدارانه و به نفع اسرائیل عمل شده است.»

فواد سینبوره نخست وزیر لبنان قطعنامه را در راستای منافع لبنان دانسته و در سخنان خود از آن پشتیبانی کرد. اکمل الدین احسان اوغلو دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی از تصویب این قطعنامه در شورای امنیت استقبال کرد.

بعد از واکنشهای مثبت طرفهای درگیر در جنگ، رژیم موضعش را با این بهانه که حرفهای منوچهر متکی درست منعکس نشده، کمی گرد کرد. سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله عصر روز شنبه اعلام کرد که: «دیدگاه ما نسبت به این قطعنامه، انتخاب گزینه «بد» بین بد و بدتر است.»

نقطه پایانی بر این جنگ و تلاش برای آتش بس با چشم انداز ایجاد صلح پایدار و تحقق حقوق مردم فلسطین، تنها می تواند با اتکاء به فعالیت‌های مداوم و خستگی ناپذیر نیروهای صلح طلب، مترقی و دموکراتیک همه کشورهای درگیر در این جنگ و نیز در سراسر جهان، راهکارهای عملی پیدا کند.

جمهوری اسلامی که با حمایت سخاوتمندانه از حزب الله طی سالهای اخیر در صدد بود با استفاده از این جنگ تعادل قوا را در رابطه با پرونده اتمی به نفع خودش تغییر دهد، با چالشی در روزهای آینده در رابطه با آتش بس و پایان جنگ روبرو خواهد بود. هر گونه دخالتی از طرف جمهوری اسلامی در این جنگ و همچنین تجاوز اسرائیل به خاک لبنان و نیز کشتار غیرنظامیان در لبنان و اسرائیل محکوم است. مداخله ماجراجویانه رژیم ایران در این جنگ، مردم ایران را ناخواسته وارد روندهایی می کند که هزینه های سنگینی برای مردم و کشور ایران خواهد داشت.

۲۲ مرداد ۸۵

منصور امان

رهبران و پایوران جمهوری اسلامی قطعنامه شورای امنیت در مورد لبنان را از یک طرف "یکجانبه و متناقض" می دانند و از طرف دیگر، صدور آن را "پیروزی" معرفی می کنند. با این وجود به نظر می رسد (دستکم در این باره) مواضع ناهمگون رژیم مَلاها، زیر ساخت یکسانی داشته باشد.

اگرچه رسانه های دولتی خبر می دهند آقای مُنکی آنچه را که تحت تاثیر شوک اولیه ناشی از صدور قطعنامه مزبور بیان داشته بود تکذیب کرده است اما دیگر مقامهای جمهوری اسلامی کار را از همان نقطه ای که او ناتمام گذاشته، ادامه می دهند. به عنوان نمونه، سخنگوی وزارت امور خارجه مَلاها به اطلاع می رساند: "ما از تصویب این قطعنامه خوشحال هستیم" در حالی که رییس مجلس مُتذکر شده است: "ما قطعنامه را ضعیف می دانیم." این دوگانگی را در رویکرد سر دست نشانده جمهوری اسلامی در لبنان، شیخ نصرالله نیز می توان مشاهده کرد. وی حداقل "بخشهایی از قطعنامه" را "ظالمانه و ناعادلانه" می خواند اما همزمان تاکید دارد: "با هر گونه تصمیم دولت همراهی خواهیم کرد."

بخشی از رجز خوانی رهبران جمهوری اسلامی پیرامون "پیروزی" قطعنامه ای، به مصرف تبلیغاتی و روحیه دادن به ابواب جمعی خود می رسد که همچون آیت الله امامی کاشانی، با شکست "نظام" در لبنان، در رسیدن "آخر الزمان" را به چشم می بینند. در همین حال، با توجه به شمارش واژگون مهلت شورای امنیت در مورد پرونده هسته ای، جمهوری اسلامی کمتر از هر زمان دیگری حاضر است با یک کارت نیمه سوخته در انتظار پدیدار شود. در همین رابطه نیز تبلیغات هماهنگ نشده علیه قطعنامه شورای امنیت (از جنس سخنان آقای مُنکی)، با اعتراف به وجود چنین حالتی برابر می افتد.

فاکتور دیگری که رویکرد دوگانه رژیم مَلاها را هدایت می کند نیز به همین صورت محصول شرایط جدید منطقه می باشد. برخورد به ظاهر کج دار و مریز با قطعنامه شورای امنیت، در حقیقت رها کردن یک موضع غیر قابل حفظ بدون دست کشیدن از انگیزه های شکل گیری آن است. با توجه به همگرایی گسترده میان کشورهای عرب، اروپا و آمریکا و از همه مهمتر، محافل سیاسی لبنان پیرامون آن چه که به آینده این کشور مربوط می شود، مخالفت و کارشکنی صریح جمهوری اسلامی از یک سو انزوای آن را تشدید کرده و در نتیجه "نظام" را با ریسکهای بیشتری روبرو می سازد و از سوی دیگر، خودکشی سیاسی حزب الله را در بر خواهد داشت.

۲۳ مرداد ۸۵

بقیه از صفحه ۹

با حضور دولت‌های ایدئولوژیک در منطقه مانند ایران و اسرائیل و عملکرد امپریالیسم که خواستار حکمرانی بی چون و چرا بر جهان می باشد و عدم رعایت حقوق ملت‌ها، محیط برای رشد و تثبیت جریان‌هایی به غایت ارتجاعی مانند حزب الله فراهم می گردد. تا زمانی که رفتار دولت اسرائیل با فلسطینی‌ها شبیه رفتار حکومت پیشین و نژادپرست آفریقای جنوبی با سیاهپوستان و رنگین پوستان است و تا زمانی که حق مردم فلسطین در منطقه به رسمیت شمرده نشود و بطور کلی تا زمانی که عدالت به معنای حقیقی جاری نشود، صلح در منطقه آرزو و آمالی است که در سراب دیده مردمان منطقه جستجو می شود.

صلح در منطقه از طریق طرح‌های عوامفریبانه همچون خاورمیانه بزرگ و از درون گزافه گوئی‌های خاورمیانه اسلامی به دست نمی آید. برقراری صلح مستلزم از بین رفتن دولت‌های بنیادگرا و ایدئولوژیک در منطقه و جایگزین کردن آنها با نظام‌های سکولار و دموکرات است. از طریق جنبش‌های مستقل و مردمی منطقه و برقراری عدالت به وقوع می پیوندد.

احداث دیوار امنیتی حایل که بخشهایی از کرانه باختری را جدا می کند و فلسطینیان را در قفس گرفتار می نماید، نمونه بارز این گونه رفتارهاست. اگر چه اسرائیل تأمین امنیت شهروندان خود را مهمترین دلیل برای ساختن این دیوار بیان کرده است اما مسایل دیگری هم در این میان وجود دارد که یکی از آنها تسلط بر منابع آبی می باشد. این دیوار سبب قطع مسیر جریان آب به اراضی فلسطینی‌ها می شود و تا حدودی بحران آبی اسرائیل را حل می کند.

بر تهران گرفته شده است و خود آن در سال ۱۹۸۲ بخشی از لشکر گارد جمهوری اسلامی بود که به طور مشخص از دکترین رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه به عنوان راه حل در بحران لبنان پیروی می کند. تقریباً در انتهای همان سال، جمهوری اسلامی آنان را جهت پایه گذاری و حمایت از جنبش اسلامی به لبنان فرستاد و بدین ترتیب، حزب الله نفوذ جمهوری اسلامی را به منطقه بعلیک برد و هسته مرکزی خود را پایه گذاری کرد و با کمک‌ها و حمایت‌های سیاسی اقتصادی رژیم ایران توانست به یک شبکه نظامی وسیع در بعلیک دست پیدا کند. و بدین ترتیب در مناطق شیعه نشین در جنوب و غرب بیروت و جنوب لبنان گسترش پیدا کرد.

رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه نیز به عنوان یک نظام ایدئولوژیک که خواستار تأمین امنیت و توسعه و گسترش تسلط خود بر منطقه است، همزمان از بحران لبنان و ابزارهای خود در منطقه (حزب الله و حماس) برای خریدن فرصت در رابطه با بحران اتمی و استراتژی بحران جواب بحران استفاده می کند. احمدی نژاد طی سخنرانی خود در ورزشگاه تختی شهر اردبیل، خطاب به مردم گفت: «ما هم خواهان خاورمیانه بزرگ هستیم» که در واقع همان خاورمیانه بزرگ اسلامی است. در این اثنا ما با خاورمیانه ای روبرو هستیم که هر کس به گونه ای آب را گل آلود می کند تا از آن ماهی بگیرد.

مبارزه شورشگرانه زنان

زینت میرهاشمی

منبع: ویژه نامه خرداد ۸۵ سایت دیدگاه

تبعیض جنسی بین زن و مرد دیرینه ترین تبعیضی است که وجود دارد و بنابراین ابتدایی ترین پیامی که مبارزه زنان برای آزادی و برابری جنسی دارد ایستت که ما زنان برای پیروزی مبارزه می کنیم، برای پیروز شدن باید دستاوردهای این جنبش را حفاظت کنیم. زیرا که اولین سنگری که مورد یورش نیروهای عقب افتاده و ارتجاعی قرار می گیرد همانا دستاوردهای جنبش زنان است. پس مبارزه زنان دو وجه دارد: حفظ دستاوردها و ارتقا آن به مراحل بالاتر بدون شک تا روزی که ستم جنسی وجود دارد مبارزه برای رفع این ستم وجود خواهد داشت. به ویژه در شرایطی که شعار «ساختن جهانی دیگر»، «جهانی عادلانه تر، همراه با صلح، دموکراسی و عدالت اجتماعی» در دست زنانی است که روز ۸ مارس تحت حکومت استبدادی حاکم بر ایران برای ساختن جهان دیگر عزمشان را جزم کردند.

ساختن جهانی دیگر غیر ممکن نیست. جهانی شدن مبارزه در برابر جهانی سازی سرمایه خوشبختانه این امید را دوباره زنده کرده که می توان به «ناممکنها» دست یافت و در برابر یک تازی صاحبان قدرت و سرمایه ایستاد. این جهان اگر چه دور باشد و به زودی قابل دستیابی نباشد اما افق دیدی که نسبت به آن در پیوندگان راه آزادی وجود دارد چشم انداز امکان دستیابی به چنین جهانی را در پیش روی ما قرار می دهد.

این مبارزه به سرنوشت جنین دختر در شکم مادر تا زنی در لحظه های پایان زندگی ارتباط دارد. جنینی که به دلیل دختر بودن قبل از تولد می میرد تا ماهه غمگینی پدر و مادر نشود. ستمی که در هیچ مرحله بازتنبستگی نداشته و دست از سر زنان بر نمی دارد و بنابراین مبارزه برای رفع ستم جنسی هم عقب نشینی ندارد. زیرا هر عقب نشینی در این عرصه، راه را برای بنیادگرایان و مرتجعان در جهت بازپس گیری دستاوردهای جنبش زنان باز می شود. مبارزه زنان برای برابری کامل، جدالی بین سنت و مدرنیته، بین ارتجاع و ترقی، بین ساختارهای کهن سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با ساختارهای نوین است. در این جدال، چالشگران و کنشگران این صحنه، هیچ گاه و در هیچ گامی نمی توانند با آن چه که به زنجیرهای زنان برای بردگی کمک می کند همسو شوند. مبارزه زنان باید با گسستی عصیانگرانه و شورشگرانه از

سنتها و علیه نظم موجود و الگوهای ساخته شده بر پایه نظام کهن پیش رود تا بتواند گامهایی به سمت بهبود شرایط

بردارد. نمی توان از آزادی سخن گفت اما آزادی زن بر جسم و اندیشه اش را قبول نکرد. نمی توان از آزادی سخن گفت اما حق تولید مثل و انتخاب شیوه زندگی را از زن سلب کرد. چه مواردی این تبعیض جنسی را تداوم، یاری و نهادینه می کند؟

پایه ای ترین و دیرینه ترین نهادی که از نابرابری جنسی پاسداری می کند نهاد «خانواده» است. قوانین حاکم بر جامعه یا از تبعیض در این نهاد پاسداری و آن را نهادینه می کند و یا امکان مقابله با تبعیض و دفاع از خود را به ستم دیدگان می دهد.

کارکرد خشن در خانواده، به ویژه خانواده مذهبی و سنتی را حتا در کشورهای صنعتی پیشرفته می توان دید. از نگاه مردسالارانه خانواده امری «مقدس» و حریم خصوصی است که به اندرون آن نباید راه یافت. در کشورهایی که سنت و فرهنگ رشد نکرده خانواده از قدرت بیشتری برخوردار است.

در خانواده که از پدر، مادر و فرزندان تشکیل شده است، مثل جامعه کوچک، قانون مشخصی برقرار است. وظیفه هدایت این کانون در دست مردان است. میزان کاربست تبعیض در این کانون به سنتها، عادات، قراردادهای اجتماعی و قوانین حاکم بر جامعه بستگی دارد. زمانی که خانواده به مثابه سلول اصلی جامعه شناخته شود، طبیعی است که افراد شرکت کننده در آن در برابر جامعه و قانون به مثابه یک فرد رسمیت پیدا نمی کنند. منافع افراد خانواده به منافع رئیس خانواده بستگی دارد. در قوانین حکومتهای دینی با قوانین شرعی رئیس خانواده مسئول حفظ «آبرو و حیثیت» این نهاد است. پدر و برادر می توانند همسر، مادر و یا خواهر را به دلیل عبور کردن از خط های قرمز به قتل برسانند و در مقابل از پیگرد قانونی مصون باشند.

زن حق طلاق ندارد. حق حفاظت اطفال با مردان است. زن بدون اجازه مرد حق آموزش و سفر، حق تصمیم گیری بر تولید مثل و کورتاژ را ندارد. حتا جانش از جان جنینی که به دنیا نیامده کمتر ارزش دارد. زن در برابر نان آور خانواده باید تمکین کند. اگر تمکین نکند حق تغذیه ندارد. زن باید خانه را محیطی امن و با آرامش برای مرد درست کند. زن «مقدس» و «تاج سر مردان» است به همین دلیل باید مردان از آنان حفاظت کنند.

در جامعه ی مردسالار، رئیس خانواده بیشترین خدمت را به حفظ نظام مردسالارانه می کند و به همین دلیل از

طرف حکومت مورد ارج قرار می گیرد. حکومت استبدادی ولایت فقیه در تمام قوانین و رفتارش زنان را به پاسداری از خانواده مکلف کرده و رشد زنان را با بر باد رفتن بنیان خانواده یکی می داند.

مکمل خانواده، فرهنگ مسلط بر جامعه است. در جامعه سنتی کانون خانواده رمز و رازی دارد که باید در برابر آن سکوت کرد و در آن نباید به سود حق زن دخالت کرد. در چنین فرهنگی زنان اولین سانسور کننده خودشان هستند، اتوریته مرد را بر اتوریته همجنس خودشان ترجیح می دهند. زنان از این که نظام مردسالاری شکاف بردارد و آنها مورد بی مهری قرار گیرند می ترسند. نگاهی به عملکرد زنان در مجلس رژیم مشخص می کند که آنان چه خدمتی به حفظ این نظام مردسالار می کنند.

هنگامی که قوانین حاکم بر پایه تبعیض بنا شده باشد و مرد را موجودی برتر و «ذیصلاح در امر حفظ «حکمت»، «جامعه»، «اخلاق» و «خانواده» بدانند پس نه تنها ابزار و امکانی به زنان برای مقابله با تبعیضی که از آن رنج می برند نمی دهد بلکه این تبعیض را نهادیه تر و قدرت مرد را به عنوان رئیس خانواده محکم تر می کند. هر گاه به این قدرت خدشه ای وارد شود به بنیان نظام مردسالار خدشه وارد خواهد شد.

برای رهایی زنان و رسیدن به برابری جنسی تغییرات بنیادین و دموکراتیک لازم است. از دریچه نگاه سنتی و با انگاره های متعلق به قرون وسطی نمی توان از رهایی زنان صحبت کرد.

از اینرو نگاه به خانواده به عنوان یک قرارداد باید تغییر کند. این قرارداد نباید جنبه «مقدس و الهی» داشته باشد، بلکه مثل قراردادهای اجتماعی دیگر باید بر پایه انتخاب آزادانه، آگاهانه افراد تشکیل دهنده آن و هر فرد در مقابل جامعه از حقوقی مساوی برخوردار باشد و هر فرد در برابر قانون و جامعه یک فرد مستقل محسوب می شود. در چنین جامعه ای هیچ زنی به اعتبار همسر، پدر و یا برادر خود هویت پیدا نمی کند. هویت هر فرد بر اساس ارزشهایی که تولید می کند تعریف می شود.

در توسعه پایدار و در تحولات دموکراتیک و اجتماعی امر برابری زنان نقش محوری دارد. در هر طرح توسعه پایدار نحوه نگرش نسبت به خانواده، تغییر قوانین تبعیض آمیز، تحول در فرهنگ جامعه امری حیاتی است که رسالت پیشبرد آن بر دوش کنشگران جدی مبارزه برای رهایی است. هیچ تحول اجتماعی و دموکراتیک بدون مشارکت فعال زنان در عالی ترین نهادهای سیاسی، قانونگذاری، قضایی امکان پذیر نخواهد بود. زنان باید الگوهای موجود که به زن به مثابه «برده، کالای دست دوم اما ظریف و ...» نگاه می کند را به چالش بگیرند. در بلندای چنین اندیشه ای است که

زنان جای خود را به عنوان انسانی برابر در جامعه باز می یابند .

افق دیدمان چگونه باشد تا موثر افتد. اگر چه در برابر شرایط روز باید برای حقوق روزمره مبارزه کرد اما هر ستمی با تکیه بر ستمهای دیگر است که قدرت عمل پیدا می کند. پس اگر به طور واقعی می خواهیم ستم جنسی ناپود شود، باید ستم طبقاتی که به این ستم جان می دهد را نابود کرد. بی عدالتی، فقر، نابرابری در ثروت و مالکیت، عدم استفاده برابر از امکانات آموزشی، بهداشتی، اشتغال و ... به ستم جنسی امکان عمل بیشتر می دهد. یک نمونه ساده. زمانی که کار، بهداشت و امنیت برای همه به یک میزان وجود ندارد. در چنین وضعیتی زنان بسته به جایگاه طبقاتی خود از امکانات استفاده می کنند و یا از آن محروم هستند. پس ستمها ارتباط ارگانیک با هم دارند که در بسیاری مراحل راه حلهایی مشترک را طلب می کنند. زنان بازندگان اول توسعه امپریالیستی و جهانی شدن سرمایه داری هستند. افزایش فقر، فحشا، بیکاری، بی خانمانی و ... زنان را در مرحله اول مورد هجوم قرار می دهد.

کنوت اوستی هماهنگ کننده سازمان ملل متحد می گوید: «دو سوم از ۹۶۰ میلیون بزرگسال که در دنیا بی سواد هستند از زنان تشکیل می دهند. سه پنچ زنان و دختران دنیا فقیر هستند و همچنین ۷۰ درصد از ۱۳۰ میلیون نفری که به مدرسه نمی روند را دختران تشکیل می دهند.» (ایلنا ۱۷ اسفند ۱۳۸۴)

جنبش زنان بستگی به ساختار قدرت در هر کشور و تغییر و تحولات آن به درجات مختلف به آزادی دست یافته اند اما تبعیض مضاعف دردی مشترک بین همه زنان است که حتا در کشورهای پیشرفته صنعتی که حق برابر در قانون به رسمیت شناخته شده، وجود دارد. اگر زنان در کشورهای اسکاندیناوی به درجه ای بسیار بالا از برابری رسیده اند نمی توانند چشمانشان را بر زنان کشورهای جنوب ببندند. زیرا پایمال شدن حقوق زنان در گوشه ای دیگر از جهان آنها را هم تحت تاثیر قرار خواهد داد. در سالهای اخیر رشد بنیادگرایی در کشورهای اروپایی دستاوردهای جنبش زنان در این کشورها را مورد تهدید جدی قرار داده است. اگر زنان کشورهای اروپایی نوجه جدی به پایمال شدن حقوق زنان توسط بنیادگرایان اسلامی نکنند، دستاوردهای خودشان هم به طور جدی مورد تهدید قرار می گیرد.

نابودی کلیه قوانین تبعیض آمیز در مورد زنان و تحقق حکومتهای دموکراتیک و سکولار چشم اندازهایی به سوی رهایی زنان باز می کند. اما رهایی کامل هنگامی تحقق می پذیرد که جامعه رها شود و این امر با لغو کار مزدوری میسر است.

زنان در مسیر رهایی

الف. اناهیته

طرح قانونی جدید جهت اصلاح وضعیت زنان کارگر در بحرین

گلف نیوز، ۵ ژوئیه ۲۰۰۶

بر اساس قانون جدیدی که قصد دارد اشکال متفاوت تبعیض علیه زنان کارگر را کاهش دهد، کارفرما حق اخراج کارگران زنی که ازدواج می کنند یا باردار می شوند را نخواهد داشت. این طرح به زودی توسط نمایندگان قانون گذار بحرینی تدوین می گردد و وضعیت استخدام زنان کارگر را تنظیم می کند. بسیاری از شرکتها از جمله شرکتهای هواپیمایی از ازدواج کارگران زن جلوگیری می کنند. بر اساس قانون مطرح شده، زنان کارگر برای دوره زایمان چهار فرزند اول خود حقوق دریافت خواهند کرد و این موضوع از حقوق زنان کارگر باردار در مقابل اخراج کارفرمایان حمایت می کند. این قانون همچنین خواستار پرداخت دستمزد برابر به زنان و مردان کارگر، به خصوص آنانی که دارای تخصص برابر با مردان همکار خود هستند، می باشد و برای کار شب کارگران زن در بعضی مشاغل تعیین شده، استثناء قابل می شود. علاوه بر این، به زنان کارگری که فرزند شیر خواره دارند یک ساعت مهلت داده می شود، آنان مختارند یک ساعت را از بین ساعات کاری خود انتخاب کنند اما موظفند هر سه ماه با ارایه سند رسمی پزشکی، نشان دهند که هنوز به فرزند خود شیر می دهند. این قانون کارفرما را مجبور می کند که با تعیین مقرراتی، در صورتی که بیش از پنج زن کارگر در استخدام دارد، موقعیت یکی از آنها را به سرپرستی ارتقا دهد.

پیشرفت زنان کارگر قطر

گلف نیوز، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۶

سهام زنان کارگر قطر نسبت به مردان طی دو دهه اخیر بیشتر از دو برابر شده است. علاوه بر این، نسبت زنانی که تحصیلات عالی دارند نسبت به مردان بسیار بالاتر است اما بر اساس بررسی بانک جهانی، زنان قطر هنوز در بسیاری از حوزه های کاری در بخش مدیریت نقشی ندارند.

بر اساس همین گزارش، یکی از دلایل بازار کار ضعیف این کشور این است که بر اثر آن، میزان مردانی که تحصیلات مقدماتی را رها می کنند، دو برابر زنان می باشد. طی ۲۰ سال گذشته، زنان کارگر بیش از دو برابر نیروی کار کشور را به خود اختصاص داده اند. آمار از افزایش ۱۴ درصد سال ۱۹۸۶ تا ۳۰

هستند و باید مورد محاکمه قرار بگیرند.

بر اساس این گزارش، استیون گرین، سربازی که مرتکب این جنایت شده است، در یک دادگاه غیرنظامی در آمریکا به دلیل بیماری روحی محکوم شناخته نشده و پنج سرباز دیگر قرار است در یک دادگاه نظامی مورد بازجویی قرار گیرند. زنان شرکت کننده در این نشست خواستار تغییر قانونی شدند که مانع تحت پیگرد قانونی قرار گرفتن سربازان آمریکایی در صورت ارتکاب جرم می شود. آنان ابراز می دارند که بسیاری از سربازان با آگاهی از مصونیت خود مرتکب جرم می شوند، بدینوسیله این قانون دست آنان را برای خلاف بیشتر باز می گذارد. از سوی دیگر دونالد رامسفلد، وزیر دفاع دولت آمریکا در سفرش به عراق، مخالفت خود را با هرگونه تغییر در قانونی که مصونیت سربازان آمریکایی را خدشه دار می سازد عنوان کرد.

کارگران خانگی مورد بهره کشی قرار می گیرند

دیدبان حقوق بشر، ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۶

دیدبان حقوق بشر با انتشار بیانیه ای به دولتهای سراسر جهان اعلام کرد که معضل استثمار و آزار و اذیت کارگران خانگی که بیشتر شامل زنان و دختران کم سن و سال می شود را مورد توجه بیشتری قرار دهند. این کارگران در شرایطی همانند بردگی مشغول به کار هستند، مورد آزار و اذیت جنسی و جسمی قرار می گیرند، تهدید می شوند، از امکانات بهداشتی و آب و غذای کامل برخوردار نیستند و ساعاتهای طولانی به کار بدون حقوق مشغول هستند. نیشا واریا، محقق عالی رتبه بخش حقوق زنان گروه اصلی مدافع حقوق بشر می گوید: «کار خانگی تنها راه برای میلیونها زن و دختری است که از امکانات و موقعیت شغلی برخوردار نیستند، آزار و اذیت و شرایط نامناسب کاری در خانه ها؛ جایی که از چشم عموم پوشیده است بر آنان اعمال می شود.»

بر اساس این گزارش، کارگران خانگی از حداقل حمایت و حقوق کاری محرومند و شرایط ظالمانه کاری آنان از طرف دولتها نیز مورد نظارت و بررسی قرار نمی گیرد. بیشترین کارگران خانگی مورد آزار و اذیت قرار گرفته را زنان مهاجر تشکیل می دهند. در بسیاری مواقع کارفرمایان با توسل به نیرنگ و مهارت به این مساله چهره ای قانونی می دهند و کارگران را در صورت اعتراض مورد تهدید قرار می دهند. فقدان گزارش به مراجع عالی نیز مکانیزم استثمار کارگران خانگی را همچنان پنهان نگه می دارد. اما بر اساس شواهد، بهره کشی از کارگران خانگی مساله ای جهانیست. سفارتهای کشورهای اندونزی،

سریلانکا و فلیپین در عربستان سعودی هر ساله هزاران شکایت از طرف کارگران خانگی دریافت می کنند. علاوه بر این، اطلاعات تهیه شده توسط سفارتها در اندونزی نشان می دهد که دست کم ۱۴۷ کارگر خانگی از سال ۱۹۹۸ به دلیل شرایط غیر استاندارد کاری از ساختمانهای بلند به پایین پرت شده، جان خود را از دست داده اند و برخی نیز خودکشی کرده اند. «دولتها باید شرایط بهتری برای کارگران خانگی تنظیم کنند، خشونت تحمیلی بر آنان را کشف کرده و برای آمران و عاملان آن محکومیت رسمی قابل شوند.»

این گزارش تدوین قانون کار دولت هنگ کنگ که کارگران خانگی را از حق حداقل دستمزد، بهره مندی از روزهای تعطیل و همچنین استراحت در زمان زایمان برخوردار می سازد، قدردانی می کند. گزارش دیدبان حقوق بشر از همه دولتهای می خواهد که قانون کار خود را توسعه دهند تا کارگران خانگی را نیز در بر گیرد و حداقل استانداردهای کاری را برای آنان در نظر گیرند. همچنین باید از معضل کودکان کار و استفاده از کودکان به عنوان کارگران خانگی شدیداً جلوگیری شود.

این تحقیقات بر اساس گزارشات مبنی بر آزار و اذیت کارگران خانگی زن در کشورهای گواتمالا، اندونزی، مالزی، ماراکو، سنگاپور، ایالات متحده آمریکا، فلیپین و عربستان سعودی در سال ۲۰۰۱ تنظیم شده است.

تصویب قانونی جهت رفع تبعیض جنسیتی در فلیپین

مانیلا بالتین، ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۶

مجلس نمایندگان کشور فلیپین با اصلاح بند ۱۳۵ و ۱۳۷ قانون کار کشور، جهت حمایت از حقوق زنان شاغل و بالا بردن امتیازات و منع تبعیض جنسیتی در هنگام استخدام زنان، قانونی جدیدی را به تصویب رساند.

این قانون دست کارفرمایان را در در ارجحیت دادن به متقاضیان مرد نسبت به متقاضیان زن در بسیاری عرصه های کاری و حتی کارآموزی کوتاه می کند. البته این قانون فقط زمانی قابل اجرا خواهد بود که زنان متقاضی از کفایت و صلاحیت برابر با متقاضیان مرد برای کار مزبور برخوردار باشند. علاوه بر این، کارفرمایان در صورت عدم رعایت سیاستهای مطرح شده، به پرداخت جریمه نقدی و چهار سال زندان محکوم خواهند شد. همچنین باید امکانات و تسهیلات کافی برای زنان باردار در محل کار در نظر گرفته شود.

بقیه در صفحه ۱۵

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

سخن ماه

● برای آزادی بیان و آزادی رسانه ها قوانین بسیاری وجود دارد اما هیچیک از قوانین ارزشمندی حفظ مصونیت مردم از دست رسانه ها را ندارد. (مارک تواین، نویسنده آمریکایی)

● در حالیکه دنیا را حيله و نیرنگ فرا گرفته، گفتن حقیقت عملی است انقلابی. (جورج ارول، نویسنده کتاب خانه حیوانات)

وعده های وزیر بی فرهنگ

علی بابا چاهی، شاعر معاصر در یک گفتگوی مطبوعاتی با یاد آوری وعده های وزیر فرهنگ و ارشاد رژیم مبنی بر آغاز اعطای آزادی و مقابله با قلع و قمع در امور فرهنگی گفت، تا کنون نه تنها اثری از انجام این وعده ها دیده نشده بلکه، نظارتها روز بروز پرنرنگتر شده اند. او می گوید: "تصور کنید کسی دایم بالای سرت بایستد و بگوید این را بنویس و این را ننویس! نتیجه این کار این است که یک دوگانگی آشتی ناپذیر بین مردم و دولت بوجود می آید."

بابا چاهی در ادامه سخنانش می گوید: "چرا باید شریطی را به وجود آورد که شاعر و نویسنده و هنرمند ناخودآگاه احساس مجرمیت کند؟" او افزود: "اگر وزیر فرهنگ و هنر ادعا می کند که می خواهد رفع بی عدالتی کند، پس بهتر است پیش از همه شرایط توزیع عادلانه کاغذ بین ناشران را فراهم سازد."

استفاده از ماهواره جزو حقوق مردم نیست

در پی اقدام رژیم در جمع آوری ماهواره، جواد آریان منش، نایب رییس کمیسیون فرهنگی مجلس رژیم ضمن استقبال از اقدام نیروی انتظامی در جمع آوری تجهیزات ماهواره در سطح کشور می گوید: "این اقدام براساس قانون مصوب مجلس در سال ۷۲ کاملاً قانونی است اما اشکالی که بر آن وارد است این است که این قانون باید از همان سالها اجرا می شد تا امروز با هزاران دیش ماهواره ای مواجه نمی شدیم." او می افزاید که اگر این قانون اجرا می شد "امروز مردم تصور نمی کردند که استفاده از ماهواره جزو حقوق آنها است."

اظهارات نایب رییس کمیسیون فرهنگی که خود به خود حاکی از خواست مردم برای داشتن وسایل ارتباط جمعی غیر حکومتی و بی اعتبار شمردن قانون و فشارهای رژیم است، هنگامی به یک کمدی تبدیل می شود

که ایشان با تاکید بر استمرار جمع آوری دیشها و تجهیزات ماهواره می گوید: "اگر مردم در مورد آثار مخرب ماهواره مطلع شوند، حتما سلامت خانواده برای آنها در اولویت قرار می گرفت و از این حرکت استقبال می کردند."

روشن است که این سلامت خانواده نیست که موجب نگرانی نایب رییس کمیسیون فرهنگی رژیم گردیده بلکه، تلاش بیهوده حکومت برای بستن درهای اطلاعاتی به روی مردم است که وی را مضطرب ساخته است.

گشایش نمایشگاه بین المللی هولوکاست

رژیم جمهوری اسلامی طی یک فراخوان اینترنتی از کاریکاتوریستهای جهان خواست تا در "نمایشگاه کاریکاتور هولوکاست" که براه انداخته است، شرکت کنند.

جالب توجه است که مسعود شجاعی، دبیر این "نمایشگاه" گفته است: "بررسی چالشهای تبلیغات نادرست جهان غرب در حوزه آزادی بیان که در مواقعی همانند اهانت به مقدسات ادیان مجاز شمرده و در بخشهایی همانند صحبت کردن در حوزه هولوکاست با مجازات روبرو می شود، از مهمترین اهداف برپایی این نمایشگاه است."

سخن از آزادی بیان در حالی به میان می آید که هنوز رژیم ملاها بر قول پرداخت میلیونی برای سر سلمان رشدی استوار است.

رژیم در یک ولخرجی دیگر، جوایزی چندین هزار دلاری برای برندگان بهترین کاریکاتورهای هولوکاست تعیین کرده است.

یوران، فرخزاد نویسنده کتاب "دستان، سخنگوی شاملو"

یوران، فرخزاد در کتابی به نام "دستان، سخنگوی شاملو" به نقش دست در شعرهای شاملو پرداخته است. به گفته او، فروغ با نگاهی غم انگیز و مرگ آلود از آن حرف می زند ولی شاملو با دستانش عشق می ورزد.

او همچنین از "دایره المعارف زنان جهان و ایران"، نگارش قسمت مربوط به زنان آمریکا، کانادا و استرالیا را به پایان رسانده است. از این نویسنده همچنین داستان "دره موشها" به زبان فرانسه ترجمه شده است.

مصاحبه مایک والاس با احمدی نژاد

در ماه جاری مایک والاس، خبرنگار سرشناس آمریکایی در برنامه "۶۰ دقیقه ای" با رییس جمهور ملاها گفتگو کرد. این برنامه در دو نوبت از تلویزیونهای آمریکایی، یخش شد. بیشتر مدت این گفتگو به جر و بحث صرف شد. احمدی نژاد، چهره منفور جهانی، به هیچیک از سوالات پاسخ مستقیم نداد و با طفره رفتن و پرسه

زدن در "صحرای کریلا" از پاسخ به سوالات شانه خالی کرد.

حضور کمرنگ سینمای ایران، در جشنواره فیلم ونیز

جشنواره فیلم ونیز، قدیمی ترین جشنواره سینمایی جهان، از سی ام ماه آگوست در جزیره لیدو با نمایش فیلم کوکب سیاه - The Black Dahlia ساخته برایان دو پالما Brian De Palma، کارگردان آمریکایی آغاز به کار خواهد کرد.

در شصت و سومین سال برگزاری این جشنواره، فیلمی از ایران به مرحله مسابقه راه پیدا نکرد و تنها فیلم سینمایی "باز هم سبب داری؟" به کارگردانی بابرام فضلی در بخش "نیمه شب"، یکی از بخشهای جانبی جشنواره نمایش داده شد.

حضور کمرنگ سینمای ایران در حالی است که تا چندی پیش این سینما در جشنواره مزبور رونق بیشتری داشت. جعفر پناهی در سال ۲۰۰۰ میلادی جایزه شیر طلایی ونیز را برای فیلم "دایره" نصیب خود کرد. در این جشنواره محسن مخملباف به عنوان داور بخش کارگردانان جوان حضور داشت.

علی اشرف درویشیان، کتابهای خارجی، در ایران، طرفدار بیشتری دارند

علی اشرف درویشیان، نویسنده کتاب "سألهای ابری" معتقد است که ممیزی باعث شده که رمان نویسندگان جوان، دست و دلشان در راه خلق کارهای تازه بلرزد. این داستان نویس پیش کسوت تصریح کرد: "زیبایی هنر در تنوع و گوناگونی است و یکرنگ کردن جامعه در تاریخ تاکنون بی نتیجه بوده و پس از این هم نتیجه نخواهد داد زیرا در چنین جامعه ای، داستان، شعر و موسیقی، قالبی بی مفهوم و خسته کننده خواهد بود."

او می گوید: "نوشتن رمانی در حدود ۵۰۰ صفحه، به ۵ یا ۶ سال وقت احتیاج دارد. حال اگر در آخر بخواهند فلان سطر یا صفحه را حذف کنند، تمام زحمات نویسنده به باد می رود. با این حساب کسی سراغ نوشتن رمانهای طولانی نمی رود."

درویشیان معتقد است: "رمانهای خارجی در ایران مورد استقبال بیشتری قرار گرفته اند زیرا نویسنده خارجی از آزادی بیشتری برخوردار است، سانسور پیش از چاپ کتاب ندارد. همچنین نویسنده به اسناد و مدارک بسیاری دسترسی دارد که به پرباری اثرش کمک می کند. کافی است رمان "سور بز" اثر ماریو بارگاس یوسا را بخوانید تا بدانید که یک نویسنده به چه اسناد و مدارکی دسترسی داشته است."

وی گفت: "در ایران، حتا اگر نویسنده ای به چنین اسنادی دسترسی داشته باشد و از آنها در اثرش یاد کند، ممکن است

بلافاصله مورد پیگیری قرار گیرد و به خیانت متهم شود. همچنین نویسنده ادبیات داستانی، خارج، بیش از هر چیز با فلسفه آشناست و دقیقاً آن را مطالعه کرده و آثارش از این لحاظ بسیار پربار است. باز هم شما را حواله می دهم به رمانی که تازه از یک رمان نویس اهل یوگسلاوی پیشین به نام مشاسالی، موویچ با عنوان "قلعه" ترجمه شده است. در سرتاسر این رمان خواننده، جوشش زندگی، به چشم می خورد. کتاب پر است از اظهار نظرهای فلسفی درباره زندگی، مرگ، جنگ، مقاومت در برابر ابتذال و اضمحلال و تلاش برای سالم ماندن."

وی با مقایسه این رمان با رمانهایی که در ایران منتشر می شود، یادآوری کرد: "اتفاقاً خوانندگان ایرانی، بسیار باهوش اند و می دانند چه چیزی را برای خواندن انتخاب کنند به همین علت است که رمانهای خارجی مورد توجه بیشتری قرار می گیرند."

آلبور استون و "شاهکار" او

فیلم "مرکز تجارت جهانی" به کارگردانی آلبور استون که فیلمهای ضد جنگ و تاریخی مانند "متولد ۱۴ ژوئیه"، "پلاتون"، "سالوادور"، "جی اف کی" و "اسکندر" را ساخته است، به لحاظ سیاسی فیلمی است با برخوردی غیر صادقانه به ماجرای انفجار این مرکز بین المللی. در این فیلم آلبور استون به ماجرای زندگی دو پلیس که در ۱۱ سپتامبر به کمک قربانیان اولین ساختمان منفجر شده فراخوانده شده اند، می پردازد. بخش زیادی از این فیلم به گفتگوهای دو پلیس مذکور پیرامون همسران و فرزندان شان اختصاص داده شده است. فیلم "مرکز تجارت جهانی" با کلیشه هایی که جوانان را به قهرمان ورزی و وطن پرستی تشویق می کند، جریان می یابد. آلبور استون ادعا می کند که این فیلم سیاسی نیست با این حال، نزدیک به ۶۳ میلیون دلار برای آفرینش صحنه های ویرانی این ساختمان هزینه کرده است.

آلبور استون تلاش می کند فاجعه ۱۱ سپتامبر را موقعیتی استثنایی برای اتحاد ملی جلوه دهد. او طی یک مصاحبه ابراز داشته: "در آن هنگام جهان با ما همدردی می کرد اما جنگ در عراق این نخست پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر، نظرات چپ گرایانه ای در فستیوال فیلم نیویورک ارایه داد. او نظم نوین جهانی را رد کرده و گفت: "۱۱ سپتامبر این پیام را داشت که بروید به درک واصل شوید، با نظم نوین جهانی تان به درک واصل شوید." اما او بعداً گفت: "نظم من تغییر کرده."

استون با ساختن یک فیلم کاملاً سیاسی هرگز به زحمت تعریف زمینه های بقیه در صفحه ۱۵

نفی جنایت، از نو-فاشیست‌ها تا جمهوری اسلامی

دور جدید بحران هسته ای آغاز می شود

نامه نگاربهایی بی جواب

از بُحرانی به بُحرانی دیگر

زینت میرهاشمی

زمانی که احمدی نژاد بر کرسی رئیس جمهور ولایت فقیه نشست، یکی از سیاستهای ارتباطی خود را نامه نگاری با سران دیگر کشورها اعلام کرد. وی در اردیبهشت سال جاری در جمع خبرنگاران اعلام کرد که تصمیم دارد به سران همه کشورها نامه بنویسد. خاتمی در زمان ریاستش در سفرهای خود به کشورهای غربی، خود را با چهره ای خندان و با عباهای رنگارنگ با دیگر همکارانش متمایز کرد. خاتمی در خارج از مرزهای ایران طوری رفتار می کرد که گویا او از کشوری نمی آید که در آن خشونت بیداد می کند و هر گلوبی که صدای آزادی و مخالفت از آن بر آید را با گلوله سواخ سوراخ می کنند. او با بی شرمی تمام از گفتگوی تمدنها حرف می زد در حالی که تنها چیزی که حکومتش اصلا بدان پایبند نبود تمدن بود. اما این لبخندهای «ملیح» و لباسهای رنگارنگ آخوندی او نتوانست بر ماهیت پلید رژیم در افکار عمومی جهان سرپوش بگذارد. احمدی نژاد به جای لبخندهای ملیح، سیاست نامه نگاری و نصیحت را در پیش گرفته است. در فضایی آشفته و بحرانی یک باره فیلی هوا می شود و نامه ای از جیب احمدی نژاد برای بوش در می آید. احمدی نژاد نامه دوم خود را به آنجلا مرکل صدر اعظم المان نوشت. روز شنبه ۳۱ تیر رسانه ها خبر از نامه احمدی نژاد به شیراک رئیس جمهور فرانسه دادند. اما در این نامه ها یک چیز مشترک است. نامه ها طوری نوشته شده که گویا ایران «بهشتی» است که وظیفه رئیس جمهور آن دعوت دیگران به این بهشت است. احمد پیش بین از مجلس رژیم روز شنبه ۳۱ تیر گفت که این نامه نگاریها «بسیار ارزشمند» و «در تاریخ می ماند». وی عدم پاسخ سران کشورها به این نامه ها را «بی منطقی» آنها دانست. این نامه ها به درستی در تاریخ به عنوان تاکتیکهای دیکتاتورهای که مانند کبک سر خود را در زیر برف کرده و دنیا را به «بهشت جهنمی» خود دعوت می کنند در تاریخ ماندگار خواهد شد. نامه احمدی نژاد به بوش با قصد تغییر فضا و به دست آوردن فرصت در رابطه با پرونده انرژی اتمی بود. شرایطی که احمدی نژاد به بوش نامه نوشت شهادت به شرایطی دارد که به صدر اعظم المان و رئیس جمهور فرانسه نوشته است. در هر دو زمان، پرونده اتمی رژیم در آستانه رفتن به شورای امنیت بوده است. این نامه نگاریها تظاهر به «صلح طلبی» است و همزمان احمدی نژاد فراموش نمی کند که در نامه های خود از لحن تهدید آمیز هم برای تحقق بخشیدن به سیاستهای ماجراجویانه اش استفاده کند. اول مرداد ۸۵

جعفر پویه

پس از رقص شادی بر جنازه کشته شدگان در ویرانه های لبنان، در پایان بی شرمانه پذیرایی با نقل و تبریک و فاتحه، پایوران رژیم جمهوری اسلامی به جای خویش بازگشتند و موضع جدید خود بر روی پرونده اتمی را اعلام کردند. با حساب سرانگشتی و نگاه به آنچه که به کف آورده اند، محافل توطئه گران و بحران سازان جنگ افروز، سود و زیان یک ماهه در لبنان را این گونه می بینند که از زبان منوچهر متکی وزیر امور خارجه اعلام کنند: "موضوع تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای می‌تواند در گفت و گو با اروپا مورد بحث قرار گیرد." آنها می دانند که حزب الله لبنان را پیروز میدان نبرد می نامند و هلهله کنان پرچم و پوستر آنرا از پارلمان تا کوی و بزم بر فراز سر موتور سواران دست رسیده اند که در حال حاضر گامی به عقب بردارند و خود را آماده مذاکره اعلام کنند. اینها همان کسانی هستند که در گرماگرم موشک پرانی از دو سوی بر خانه های مردم، با نمایش کشته های به دست آورده، با هو و جنجال و وا اسلاما و توهین به رهبران کشورهای اسلامی، برای کشاندن آنها به این درگیری، نه تنها بسته پیشنهادی کشورهای ۵+۱ را رد کردند بلکه، اعلام داشتند همه توافقات تا کنونی را از حیض انتفاع ساقط می دانند. کسانی که به امید رسیدن به نوایی در کشور لبنان آتش جنگ را روشن کردند تا ولیمه اتمی را با حرارت آن بیزند. اما این لقمه گلو گیر چندان راحت فرو نخواهد رفت و آرامش کنونی در جبهه جنگ حاصل مذاکرات کسانی است که چاره کار را در شیوه ای دیگر جستجو می کنند. و گرنه این صلح نیست، همچنانکه سالهاست در فلسطین اینگونه آرامشهای ظاهری مقدمه یورش بدتر و سهمناکتر بوده است. بر آورد برداشت جمهوری اسلامی از کاشت بحران در لبنان چیزی است که در سخنان متکی تبلور می یابد. عقب نشینی مفتضحانه و درخواست مذاکره با سرشکستگی. حال دیگر به خوبی می شود فهمید: چوب را که برداری گریه دزده حساب کار خود را خواهد کرد.

۲۶ مرداد

منصور امان

پس از کش و قوسهای بسیار بر سر تاریخ پاسخ به بسته پیشنهادی گروه ۵+۱، امروز جمهوری اسلامی نظر رسمی خود را در این باره اعلام خواهد کرد. مستقل از این که پاسخ مزبور چگونه به نظر برسد، گام ناگزیر رژیم مَلاها، حلقه ی مُحاصره گرد پروژه اتمی آن را تنگ تر خواهد کرد. و این یکی از انگیزه های اصلی اصرار جمهوری اسلامی بر هر چه به عقب تر انداختن اعلام موضع خود در برابر پیشنهادهای گروه مزبور بوده است. تلاش رهبران حکومت در این زمینه که ایجاد یک محور جدید تشنج در مناسبات با اروپا را نیز برای آن به جان خریده بود، بیش از همه با هدف شکل دادن به کارتهای برنده یا پُشتیبان در این فاصله صورت گرفت؛ امری که به اعتقاد آنها می توانست یک رویکرد مُحاطانه در برابر فعالیت‌های هسته ای رژیم و مقاصد آن را به طرفهای بین المللی تحمیل کند.

پس از شکست تحرک حکومت در لبنان، اکنون رهبران جمهوری اسلامی برای آرایش دادن به صف خود در برابر شورای امنیت سازمان ملل، به طور عاجل به استفاده از ذخایر داخلی متوسل شده اند. نمایش تجهیزات جنگی در آستانهای مرزی، تهدید به لغو رسمی بازرسیمهای آژانس توسط مجلس و اعلام بهره برداری از پروژه آب سنگین در آینده نزدیک، از جمله اقدامات پیشگیرانه ای است که همزمان نوع رویکرد رژیم مَلاها به بسته ۵+۱ را نیز مشخص می کند. دور جدید بُحران هسته ای جمهوری اسلامی با دامنه و ابعاد بی نظیری متفاوت، به گردش درآمده است. یک روز پیش از اعلام پاسخ به بسته پیشنهادی، خانم نیره اخوان، نماینده مجلس مَلاها با نگاه به پیامدهای پیش بینی پذیر سیاست تنش برانگیز رژیم برای مردم ایران، ابراز نگرانی کرده است: "باید خسارت تحریم را برای مردم فهمیم و بصیر توضیح داد تا این ملت شهید پرور با عزم راسخ تری به میدان بیاید."

۳۱ مرداد ۸۵

لیلا جدیدی

در اوایل هفته جاری، تلویزیونهای گوشه و کنار جهان مصاحبه ای را پخش کردند که خبرنگار آمریکایی برنامه "۶۰ دقیقه" با رییس جمهور رژیم انجام داده بود. نداشتن حتی پایه ای ترین اطلاعات سیاسی مربوط به ایران و رژیم جمهوری اسلامی از جانب خبرنگار که تنها با چند سوال از پیش طرح شده به میان آمده بود، سبب شد که دست نشانده خامنه ای از فرصت به دست آمده سود جسته و به تبلیغ جنگ، کشتار، بنیادگرایی و بار دیگر انکار واقعیت هولوکاست بپردازد. دیری نگذشت که آقای ولایتی، مشاور خامنه ای در امور بین المللی، پرچم رییس جمهور اسلامی را بلندتر به اهتزاز در آورده و در یک جمع دانشجویی اعلام می کند که نظرات احمدی نژاد در مورد مسایلی مانند هولوکاست و غیره "انعکاس دقیق" مواضع رژیم است. در یک تلاش دیگر، حکومت مالاها به برگزاری یک نمایشگاه کاریکاتور با موضوع هولوکاست می پردازد. خبرنگار آمریکایی در مصاحبه مزبور از احمدی نژاد هیچ سوالی در مورد میزان انزجار مردم ایران از او و رژیمش، وضع زندگی آنان، حقوق بشر و فقر و اعتیاد و بیکاری و به ویژه قتل و جنایت و شکنجه زندانیان سیاسی از او نکرد و تازه اگر می کرد، مانند بقیه سوالها بی پاسخ می ماند. با این حال، پس از این مصاحبه، ایرانیان و غیر ایرانیان در چهار گوشه دنیا تنفر انزجار و در بهترین حالت بی اعتمادی خود را نسبت به رییس جمهور رژیم و گفته های او ابراز کردند. اما تنفر جهانی از رژیم مالاها کک حکومت را هم نمی گزد. هدف اساسی جمهوری اسلامی از به راه انداختن بازار مکاره نفی هولوکاست که برای آن تا ترتیب دادن نمایشگاه کاریکاتور سقوط کرده، جذب نیروهای بنیادگرا و مرتجع برای گردآوری حمایت و دفاع از خود، حفظ رژیم و داشتن حربه تهدید است. نفی هولوکاست، تلاشی برای برجسته کردن چهره احمدی نژاد است که به راستی هم براننده اوست؛ براننده رییس جمهور دست نشانده رژیمی که پیش از همه، جنایت علیه بشریت در حکومت خود را منکر می شود.

۲۸ مرداد ۸۵

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۲

اگر زنان ۱۵۰ سال صبر کنند، درآمدشان برابر با مردان خواهد شد

تایمز ان لاین، ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۶ بر اساس تحقیقات تحلیلگر ارشد اقتصادی بخش اقتصادی مدرسه تحقیقاتی لندن، زنان به دلیل تبعیض و سیاستهای بیهوده دولتها، تا ۱۵۰ سال دیگر درآمدی کمتر از مردان خواهند داشت. قوانین از سی سال پیش سعی کردند نابرابری دریافت مزد بین زنان و مردان را از بین ببرند و امروز روند کاهش شکاف پرداخت دستمزد بین زنان و مردان تقریباً از حرکت باز مانده است. هنوز دستمزد زنان از مردان هم سن و سال خودشان کمتر است و در عرض ده سال گذشته، نابرابری به میزان بسیار اندکی کاهش یافته است. اگرچه گزارش مزبور یکی از دلایل این عدم توازن را تعطیلی زنان در دوران زایمان و یا نیمه وقت کار کردن آنان می داند اما بر اساس همین تحقیقات حتی زمانی که به خاطر زایمان و نگهداری از فرزند دست از کار نکشیده و نیز حتی زمانی که به صورت تمام وقت کار کرده اند، در ده سال گذشته ۱۲ درصد کمتر از مردان هم رتبه خود درآمد داشته اند. «اگر چه شکاف پرداخت دستمزد بین زنان و مردان طی سی سال گذشته بهبود یافته است اما هنوز اختلاف وجود دارد و از آنجا که شکاف پرداخت دستمزدها بین زنان سی ساله با مردان هم سن و سال خود ۲۰ درصد می باشد، پس ۱۵۰ سال طول می کشد که این شکاف از بین برود.» این گزارش اضافه می کند که سیستم بازار کار امروزی به گونه ای است که آنانی که خانواده را بر شغل و حرفه خود ارجحیت می دهند را مجازات می کند.

رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۱۳

تاریخی و سیاسی این فاجعه نپرداخته است. هر تاریخدان، ژورنالیست و هنرمندی که اقدام به تعریف یک واقعه تاریخی را می کند، مسئولیت برجسته کردن و روشنگری در آن زمینه را به دوش می کشد و این همانی است که در فیلم آلیور استون مشاهده نمی شود. از همین روست که راستهای افراطی همچون روزنامه نویس معروف، مایکل تاماس فیلم آلیور استون را این چنین توصیف کرده اند: "یکی از آمریکایی ترین، خانواده دوست ترین، ایمان پرور ترین، مرد سالارانه ترین، پرچم دوست ترین، خدا شناس ترین و به آمریکا - برکت - بده ترین فیلمهایی است که تا به حال دیده آید." برنت بوزل، رییس دست راستی مرکز تحقیقات تلویزیونی این فیلم را "شاهکار" خوانده است.

فیلم **تکان دهنده** "یک حقیقت پردر" ال گور، کاندیدای حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۰ آمریکا، از زمانی که از بوش، نامزد جمهوری خواهان شکست خورد، گامهایی بلند و فرا تر از آنچه که دمکراتها به طور سنتی به زمین می گذارند، برداشته است.

ال گور جدید علاوه بر بریدن از دمکراتهای هم حزب خود، با فعالان حقوق بشر همکاری و به گروه هایی همچون "موو آن" پیوسته است. او علیه بوش و جنگ در عراق، سیاست خارجی دولت او و اقتصاد سخنرانیهایی بسیاری کرده است.

گور جدیداً به تهیه فیلمی به نام "یک حقیقت پردر" پرداخته است. این فیلم شرح مسیری است که سیاره زمین در حال پیمودن است و آماری ارایه می دهد که آمریکا را بیشترین مصرف کننده انرژی و آلوده کننده کره زمین نشان می دهد. فیلم مذکور از تاثیر گذارترین فیلمهای مستند جشنواره کن بود. جالب تر آن که، "یک حقیقت پردر" تنها به یک فیلم سینمایی محدود نشده است. ال گور آن را به عنوان وسیله ای برای یک بسیج ملی در امر روشنگری زیست محیطی به خدمت گرفته است. هدف این فیلم مستند، رساندن این پیام است که تغییر با شناخت و درک واقعتهای موجود آغاز می گردد. به زبان دیگر، نقطه مقابل آنچه که بوش عمل کرده است.

سرقت آثار هنری موزه هرمیتاژ

بنا بر یک گزارش، نقاشیهایی به ارزش حدود ۱,۳ میلیون دلار، اثر یاکف چرنیخف، معمار و نقاش آوانگارد روسیه از مرکز دولتی ادبیات و هنر روسیه ربوده شده است.

در پی سرقت بزرگ از موزه هرمیتاژ و مرکز ادبیات و هنر معاصر روسیه، پوتین، رییس جمهور این کشور دستور تنظیم فهرستی از تمامی آثار ارزشمند فرهنگی در سراسر کشور را صادر کرد.

معاون اول پوتین از وزارت کشور، وزارت فرهنگ، سرویس امنیت فدرال و بازپرسان پلیس خواست تا در امر دستگیری سارقین همکاری کنند. تاکنون سه نفر به اتهام سرقت از موزه هرمیتاژ دستگیر شده اند. موزهی هرمیتاژ یکی از مشهورترین موزههای جهان است که دارای بیش از ۲/۵ میلیون اثر هنری و یک هزار اتاق می باشد.

مستولان می گویند، برخی از آثار مسروقه را پیدا کرده اند اما از تعداد دقیق آثار به سرقت رفته بی خبرند.

(مطلب زیر از سایت "اصغراقاً" گزیده شده است)

لبنان قربانی جنگ با اسرائیل

کشورهای اروپایی مرتب کشتی می فرستند که اتباعشان را از لبنان خارج کنند که آتش جنگ شعله می کشد. هیچ کشتی نرفته که اتباع لبنان، را خارج کند!

فلسطینیها یک سرباز اسرائیلی را اسیر جنگی گرفته اند. به اسرائیل میگویند ول کن تا ول کنیم. جنگ از اینجا شروع شد.

یک نوجوان سرباز بدبخت چه گناهی دارد؟ حماس، چرا آزادش نمی کند؟ مے خواهد زندانیان خودش آزاد شوند، برود راه حل دیگری پیدا کند.

اسرائیل چرا زندانیان فلسطین را آزاد نمی کند؟ مگر آنها جز تلاش برای حفظ زمین زیر پایشان کاری کرده اند؟

خوب، اگر آنها آزاد کنند اینها آزاد کنند، جنگ نمی شود. شاید ایرادش همین است. جنگ نمی شود.

بخشید. من زیاد وارد نیستم.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

تحریریه: لایلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراك نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراك سالانه

۲۰ یورو

فرانسه

۲۴ یورو

اروپا معادل

۳۶ یورو

آمریکا و کانادا

۴۰ یورو

استرالیا

۱ یورو

تک شماره

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق ومسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

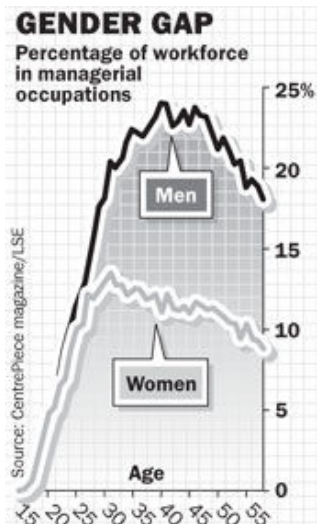
www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

اخبار روزانه را در جنگ بخوانید

www.jonge-khabar.com



NABARD - E - KHALGH

No : 254 23.August. 2006 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postfach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O. Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهادای فدایی

مهرماه

رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمدعی سالمی
- سید نوزادی - حسن حامدی
مقدم - غلامرضا صفری - حسین
علی زاده - رحمت شریفی -
حسن جلالی نائینی - لقمان
مدائن - جهانشاه سمعی اصفهانی
- محمدرضا فرشاد - ژیلای سیاب
- پروین فاطمی - اسماعیل
بیدشهری - زهرا بیدشهری -
مصطفی رسولی - مهرنوش
ابراهیمی - منوچهر بهایی پور -
سید احمد لاری - کرامت قبادی
- زاهد سجادی - سیامک اسدیان
(اسکندر) - مسعود بریری -
علیرضا صفری - فریبا شفیعی -
ابراهیم شریفی - علی حسن پور
- محمد کس نرانی -
غلامحسین وندادنژاد - پرویز
عندیلیان - مهدی خانزاده -
خیرالله حسن وند - عبدالله یزدانی
- علی محمدنژاد - مریم توسلی
- فاطمه روغن چی - عزت الله
معلم - سید ربیع حسینی -
رمضان قربانی - شهسوار شفیعی
- جعفر دلیر - بهرام بلوکی -
روح الله الماسی - غلامحسین
مجیدی - احمد سلیمانی - عباس
گودرزی - حسن سبت - حسن
جان لنگرودی - کامران علوی -
فرشید فرجاد - احمد کیانی، از
سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه
امپریالیسم و ارتجاع و برای
دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم
توسط مزدوران رژیمهای شاه و
خمینی به شهادت رسیدند.

عفو خامنه ای شامل حال اکبر

محمدی شد

منصور امان

در پی برقراری آرامش گورستانی، جمهوری اسلامی
شمشیر را از رو بسته است. با قتل تبهکارانه دانشجوی
زندانی، اکبر محمدی، رژیم ولایت فقیه این سیاست را
پُر رنگ در برابر دیدگان دشمنان اصلی خود - مردم
ایران - گرفته است.

۷ سال پس از آن که آیت الله خامنه ای مجازات اکبر
محمدی را از اعدام به ۱۵ سال زندان تخفیف داد،
گماشتگان وی بر پروسه مرگ تدریجی این دانشجوی،
در مناسب ترین زمان برای منافع "نظام"، نقطه پایان
گذاشتند. اکبر محمدی که دوران "مُرخصی نامحدود"
خود را می گذراند، روز ۱۹ خرداد در حالی دوباره
دستگیر و به زندان باز گشت داده شد که حتی دوایر
پزشکی دولتی نیز بر وخامت شرایط جسمانی وی و
ناممکن بودن نگهداری او در زندان مُهر تایید نهاده
بودند. دستگیری مُجدد دانشجوی پیشین دانشگاه
تهران که با محروم ساختن وی از داروهای حیاتی،
انتقال به سلول انفرادی، ممنوع الملاقات نمودن و
شکنجه همراه بود، جای هیچ گونه تردیدی پیرامون
تصمیم قبلی دژخیمان جمهوری اسلامی مبنی بر قتل
وی و سازمان دادن آن به جا نمی گذارد.

تفسیر خونسردانه این جنایت توسط پایوران رژیم
ولایت فقیه که آن را با اعتصاب غذای اکبر محمدی
توجیه می کنند، رو خوانی مُشتاقانه پرونده خانم زهرا
کاظمی و توضیح علت مرگ وی با "بیماری قلبی" و
بعدها "جسم سخت" است. وزیر دادگستری کابینه
نظامی - امنیتی و مدیر کل زندانهای اُستان تهران در
حالی به این توجیه اویخته اند که خود هفته گذشته
خبر اعتصاب غذای اکبر محمدی در اعتراض به
بازداشت و جلوگیری از درمان خود را تکذیب کرده
بودند. همچنین آقایان کریمی راد و سلیمانی مایل
نیستند به یاد بیاورند که مسوولیت سلامت روانی و
جسمانی زندانی تحت اختیار خود را به عهده دارند و
این شامل مُراقبت پزشکی در جریان اعتصاب غذا هم
می شود.

صدور فرمان مرگ این دانشجوی اسیر، دور جدید
سرکوب علیه دگراندیشان و مُخالفان که با
دستگیریهایی گسترده و اتهام تراشیهایی بی پایه به
جریان افتاده را شاخص کرده است. زندانیان سیاسی و
دستگیرشدگان هفته های اخیر، هدف مُقدم و در
دسترس سیاست مزبور و خشونت سازمان یافته دولتی
به شمار می روند.

۱۰ مرداد ۸۵

نتیجه ای جز ادامه ناسامانیها و
درد و رنج مردم عراق ندارد.

ب: افراد سازمان مجاهدین خلق
در عراق تحت حفاظت کنوانسیون
چهارم ژنو قرار دارند و حفاظت از
آنها بر عهده نیروهای چند ملیتی
است. نقض این حقوق از طرف
هرکس که صورت گیرد، در حکم
جنایت جنگی محسوب می شود.

ج: مردم شریف عراق تا کنون
برای استقرار حاکمیت ملی و
کسب استقلال، دموکراسی، صلح
و آرامش هزینه های کلانی
پرداخت کرده و دوستان و دشمنان
خود را خوب می شناسند. پنج
میلیون و دویست هزار تن از
عراقیان آزاده در بیانیه اخیر خود
ضمن هشدار نسبت به «خطر
استیلا بنیاد گرایان برعراق»،
دخالتهای رژیم ایران در کشور
خود را محکوم کرده و خواستار
تأکید بر «حقوق پناهندگی سیاسی
افراد سازمان مجاهدین در عراق»
شده اند.

بنابراین شایسته است که دولت
عراق به جای تن دادن به
فشارهای رژیم ایران، به ندای ۵،۲
ملیون از مردم عراق توجه کرده و
ضمن به رسمیت شناختن موقعیت
پناهندگی ایرانیان ساکن در شهر
اشرف به عنوان یک جنبش
سیاسی مستقل، به فشارهایی که
به درخواست رژیم ایران بر آنان
وارد می شود، مثل قطع سهمیه
دولتی سوخت و مواد غذایی و
عدم تردد آزاد پایان دهد.

با احترام

۲۹ ژوئیه ۲۰۰۶

توضیح: این نامه توسط اعضای
کمیته مرکزی، اعضای تحریریه و
تعدادی از اعضای سازمان به
امضا رسیده و به نهادهای بین
المللی مربوطه ارسال شده است.

نامه به نخست وزیر

عراق

در حمایت از حق

پناهندگی سیاسی

مجاهدین ساکن در

شهر اشرف

عراق دفتر نخست وزیر

آقای نوری المالکی نخست
وزیرعراق،

خبرگزاری رسمی جمهوری
اسلامی(ایرنا) در روز ۱۹ ژوئیه
امسال از قول شما اعلام کرد
:«نخست وزیر عراق بدون این که
به جزئیات اشاره کند از برنامه
اخراج عناصر گروهک تروریستی
منافقین از کشورش خبر داد.
المالکی تأکید کرد که عناصر این
گروهک هم اکنون در یک پادگان
نگهداری می شوند و به آنها اجازه
خروج از پادگان داده نمی شود.»

با ابراز تأسف بسیار از این که
درمورد اعضای سازمان مجاهدین
خلق ایران ساکن در عراق چنین
اظهارات غیرعادلانه و بر خلاف
پیمانهای بین المللی بیان کرده
اید، به عنوان ایرانیانی که دوستدار
مردم عراق هستند، توجه شما را
به نکات زیر جلب می کنیم:

الف: پایان یافتن اشغال عراق و
ایجاد یک نظام مستقل و
دموکراتیک در کشور شما مستلزم
قطع دخالتهای نظام حاکم بر
ایران در عراق است. شما بهتر از
هر کس دیگر می دانید که ابعاد
دخالتهای رژیم ولایت فقیه در
عراق چندان گسترده است که نه
تنها مردم عراق را به ستوه آورده
و پروسه ایجاد یک عراق مستقل
و دموکراتیک را با مشکل جدی
روبرو کرده بلکه، صلح و آرامش
در تمام منطقه را نیز به خطر
انداخته است. بنابراین، قبول
فشارهای رژیم ایران از طرف شما

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم